

۲- کتاب نماز

تعدادی زیادی از مقتدیان محترم مسجد شریف شهر آرغوس و حومه آن در دنمارک از بنده تقاضا نمودند تا در مورد نماز که یکی از ارکان پنجگانه اسلام میباشد یک کتاب مستند و مؤثق بدرسترس ایشان قرار بدهم . بناً بنده با استفاده از تعطیلات تابستانی بخش نماز را از کتاب وزین بنام فقه میسر- در کمپیوتر تایپ و بدسترس علاقمندان قرار میدهم امید مورد استفاده هموطنان گرامی مان قرار گیرد

بالاحترام

اداره مسجد شریف در شهر آغوس - دنمارک

www.masjed.dk

- انواع نماز
- شرطهای فرضیت نماز
- اوقات نماز
- فروعاتی که به اوقات نماز تعلق می گیرند
- اوقاتی که در آنها نماز خواندن جواز ندارد
- اوقاتی که در آنها خواندن نمازهای نفل مکروه است
- حکم اذان و اقامت
- مستحبات اذان
- اموری که در اذان مکروه است
- شرطهای صحت نماز
- فروعاتی که به شرطهای نماز تعلق می گیرند
- ارکان نماز
- واجبات نماز
- سنتهای نماز
- مستحبات نماز
- فاسد کننده های نماز
- اموری که نماز با آنها فاسد نمی شود
- اموری که در نماز مکروه است
- اموری که در نماز مکروه نیست

- کیفیت اداء نماز
- فضیلت نماز جماعت
- حکم جماعت
- جماعت برای چه کسی سنت است؟
- حضور در جماعت چه وقت ساقط می شود؟
 - شرطهای صحت امامت
 - چه کسی در امامت حق تقدم دارد؟
 - مواضع کراهیت در امامت و جماعت
 - محل ایستادن مقتدی و ترتیب صفها
 - شرطهای صحت اقتداء
- چه وقت مقتدی از امامش پیروی کند و چه وقت از وی پیروی نکند؟
 - احکام ستره
 - احکام عبور از جلوی روی نمازگزار
 - چه وقت قطع کردن نماز واجب و چه وقت جایز است؟
 - نماز وتر
 - نمازهای سنت
 - سنتهای مؤکده
 - سنتهای غیر مؤکده
 - نمازهای مستحب، و شب زنده داری
 - جدول نمازها
 - نماز نشسته
 - نماز بالای مرکب
 - نماز در کشتی
 - نماز در قطار و هواپیما
 - نماز تراویح
 - نماز مسافر
 - شرطهای صحت نیت سفر
 - چه وقت کوتاه کردن نماز را شروع نماید؟
 - مدت کوتاه کردن نماز
 - اقتداء کردن مسافر به مقیم و عکس آن
 - اقسام وطن و احکام آن
 - نماز مریض
 - قضاء آوردن نمازهای فوت شده
 - در یافتن فریضه با جماعت
 - فدیة نماز و روزه
 - احکام سجده سهو

- فروعاتي که به سجده سهو تعلق مي گيرند
- كيفيت سجده سهو
- چه وقت سجده سهو ساقط مي شود؟
- چه وقت نماز با شك باطل مي شود و چه وقت باطل نمي شود؟
- احكام سجده تلاوت
- فروعاتي که به سجده تلاوت تعلق مي گيرند
- كيفيت سجده تلاوت
- نماز جمعه
- احكام عيدين
- نماز کسوف و خسوف
- نماز استسقاء
- کتاب جناز
- احكام زيارت قبرها
- احكام شهيد

خداي متعال فرموده است:

((حافظوا علي الصلوة و الصلاة الوسطي، و قوموا لله قانتين- برگزاردن نمازها، و نماز ميانه (عصر)، پاييند باشيد و براي خداوند فروتنانه (به عبادت) بايستيد)). (سورة بقره- 238)

و رسول خدا ص فرموده است:

ارايتم لو ان نهراً بباب احدكم يغتسل فيه كل يوم خمساً هل يبقي من درنه شيء؟ قالوا لا يبقي من درنه شيء قال فذلك مثل صلوات الخمس يمحو الله بهن الخطايا- چه فكر مي كنيد، اگر به در خانه يكي از شما جويي باشد که در آن هر روز پنج بار غسل مي کند، آيا چيزي از چرك و پليدي در وجود آن باقي مي ماند؟ اصحاب گفتند: نه، يا رسول الله! چيزي از چرك و پليدي باقي نمي ماند، مبارك فرمود: پس اين است مثل نمازهاي پيچگانه که خداوند به وسيله آنها گناهان را محو مي نمايد)).

(به روايت بخاري و مسلم از ابي هريره رض)

نماز بزرگترين عبادتهاست، زيرا بنده را به پرو□□ دگارش وصل مي کند.

نماز شکرگزاري براي خداي متعال در برابر نعمتهاي بي شمار آن است.

نماز (صلاه) در لغت به معنای دعاء است.

و در اصطلاح شريعت: عبارت است از اقوال و افعالي که با تکبير افتتاح و با سلام

دادن ختم مي شود، با شرائط مخصوصي.

انواع نماز

نماز به دو قسم تقسیم می شود:

- 1- نماز مشتمل بر رکوع و سجده.
- 2- نمازی که دارای رکوع و سجده نیست، و آن نماز جنازه می باشد.
نماز دارای رکوع و سجده بر سه نوع تقسیم می شود.
 - 1- فرض:- و آن عبارت است از نمازهای پنجگانه همه روزه.
 - 2- واجب:- و آن عبارت است از نماز وتر و نماز هر دو عید، و قضاء آوردن نمازهای نافله ای که بعد از شروع فاسد گردیده اند، و دو رکعت نماز بعد از طواف.
 - 3- نفل:- و آن عبارت است از نمازهای غیر از فرض و واجب.

شرطهای فرضیت نماز

نماز بر انسانی فرض نمی شود، مگر آنگاه که در وی سه شرط یکجا فراهم شده باشد.

- 1- اسلام؛ پس نماز بر کافر فرض نیست.
 - 2- بلوغ؛ پس نماز بر کودک فرض نیست.
 - 3- عقل؛ پس نماز بر دیوانه فرض نیست.
- برای پدران و مادران لازم است که فرزندان خویش را- آنگاه که به سن هفت سالگی رسیدند- به نماز دستور دهند، و آنگاه که به سن ده سالگی رسیدند، آنان را در برابر ترک نماز با دست بزنند، تا اینکه بر اداء نمازها در اوقات آنها- پیش از آنکه برایشان فرض گردد- عادت کنند.

اوقات نماز

خدای متعال فرموده است: ((ان الصلوة كانت علي المؤمنین کتاباً موقوتاً- به تحقیق که نماز بر مؤمنان فرض زمانداری است)). (سورة نساء- 103)
و رسول خدا ص فرموده است:

«خمس صلوات افترضهن الله تعالی، من احسن وضوءهن و صلاهن لوقتهن و اتم

ركوعهن و خشوعهن كان له علي الله عهد ان يغفر له، و من لم يفعل فليس له علي الله عهد، ان شاء غفر له و ان شاء عذبه- پنج نماز است كه خدای متعال آنها را فرض گردانیده است، كسی كه نيك گرداند وضوء آنها را و بگزارد آنها را در وقت هاي آنها، و تمام گرداند ركوع و خشوع آنها را، پس براي او بر خدا عهدي است كه برایش بيامرزد، و هر كس چنین نكند پس نیست براي او بر خدا عهدي، اگر بخواهد برایش مي آمرزد و اگر بخواهد عذابش مي كند». (به روايت امام احمد) خدای متعال بر مسلمانان در يك شبانه روز پنج نماز را فرض گردانیده است، كه اين فرايض عبارت اند از:

- 1- نماز صبح: و آن دو ركعت است.
و وقت آن از طلوع صبح صادق شروع و تا پيش از طلوع خورشيد ادامه مي يابد.
- 2- نماز ظهر: و آن چهار ركعت است.
و وقت آن هنگام زوال خورشيد از ميانه آسمان شروع، و تا آنگاه كه سایه هر چيز- بجز سایه اصلي آن كه در هنگام زوال پديدار مي شود- دو چند آن گردد، ادامه دارد. در نزد امام ابو حنيفه رحمه الله و امام محمد رحمه الله تا آنگاه ادامه دارد كه سایه هر چيز همانند آن گردد. و امام طحاوي رحمه الله اين رأي را ترجيح داده است.
- 3- نماز عصر: و آن چهار ركعت است. و وقت آن از بعد از انتهاي وقت ظهر شروع، و تا غروب خورشيد ادامه دارد ().
- 4- نماز مغرب: و آن سه ركعت است.
و وقت آن از غروب خورشيد شروع و تا غايب شدن شفق سرخ رنگ ادامه دارد، (و فتواه برآن است).
- 5- نماز عشاء: و آن چهار ركعت است.
و وقت آن از غايب شدن شفق شروع و تا طلوع صبح صادق ادامه دارد.
نماز وتر: و آن واجب است، آن وقت نماز عشاء مي باشد مگر اينكه بعد از نماز عشاء خوانده مي شود، نه قبل از آن.
پس اگر كسي نماز وتر را قبل از نماز عشاء خواند، عود كردن نماز وتر بعد از نماز عشاء بروي واجب است.

فروعائي كه به اوقات نماز تعلق مي گيرند

مستحب است إسفار () در نماز بامداد.
مستحب است تأخير نماز ظهر در فصل تابستان.
مستحب است تعجيل نماز ظهر در فصل زمستان.

مستحب است تأخیر نماز ظهر در فصل زمستان؛ اگر چنانچه روز ابری باشد، تا آنکه بر زوال خورشید یقین حاصل شود. مستحب است تأخیر نماز عصر، تا آنگاه که رنگ خورشید به زردی تغییر نکرده است.

مستحب است تعجیل نماز عصر در روز ابر آلود.

مستحب است تعجیل نماز مغرب.

مستحب است تأخیر نماز مغرب در روز ابر آلود.

مستحب است تأخیر نماز عشاء تا گذشت يك سوم شب.

مستحب است تأخیر نماز وتر تا آخر شب برای کسی که از بیدار شدن در آخر شب مطمئن است.

جمع کردن میان دو فرض در يك وقت واحد جواز ندارد، خواه جمع کردن به روی عذری بوده باشد، یا بدون عذر.

بر حجاج بیت الله الحرام - مخصوصاً- واجب است تا نماز ظهر و عصر را در عرفه به همراه امام در وقت ظهر اداء نمایند.

و نیز برایشان واجب است تا نماز مغرب و عشاء را به مزدلفه در همان وقتی اداء نمایند که در آن به مزدلفه می رسند.

اوقاتی که در آنها نماز خواندن جواز ندارد

نماز خواندن در اوقات آتی جواز ندارد، چه نماز فرض باشد و چه واجب.

همچنان قضاء آوردن نمازهایی فوت شده در این اوقات جواز ندارد:

1- وقت طلوع خورشید، تا آنکه خورشید بالا آید.

2- وقت استواء خورشید، تا آنکه خورشید زوال پیدا کند ().

3- وقت زرد شدن خورشید، تا آنکه خورشید غروب کند، و از این حکم نماز عصر همان روز مستثنی است، زیرا که گزاردن نماز عصر در هنگام زرد شدن خورشید نیز جواز دارد.

و اداء کردن آنچه که واجب گردیده است در این اوقات صحت دارد، اما به همراه کراهیت.

پس اگر در این اوقات جنازه ای حاضر گردید؛ نماز خواندن بر آن جواز دارد به همراه کراهیت.

و اگر کسی آیت سجده ای را در این اوقات خواند، برای او اداء سجده تلاوت جواز دارد؛ به همراه کراهیت.

خواندن نمازهاي نافله در اين اوقات مکروه تحریمي است.

اوقاتي که در آنها خواندن نمازهاي نفل مکروه است

خواندن نماز هاي نفل در اوقات آتي مکروه است:

- 1- خواندن بیشتر از نماز سنت فجر که عبارت است از دو رکعت است، بعد از طلوع با مداد.
- 2- بعد از نماز با مداد، تا آنگاه که خورشید بالا مي آید.
- 3- بعد از نماز عصر، تا آنگاه که خورشید غروب مي کند.
- 4- در آن هنگام که خطیب در روز جمعه براي خواندن خطبة نماز جمعه بیرون مي آید، تا آنگاه که از فرض جمعه فارغ مي گردد.
- 5- در هنگام گفتن اقامت؛ و خواندن سنت فجر از آن مستثني است، زیرا که سنت فجر در هنگام اقامت و بعد از آن نیز- بدون کراهیت- در گوشة مسجد خوانده مي شود، اگر چنانچه شخص یقین داشت که امام را در رکعت دوم در مي یابد.
- 6- قبل از نماز عید؛ پس قبل از نماز عید نفل نخواند، نه در منزلش و نه در مصلي.
- 7- بعد از نماز عید- خاصتاً- در مصلي.
- پس اگر بعد از نماز عید در منزلش نماز نفل را خواند وي جائز است بدون کراهیت.
- 8- در هنگام تنگ بودن وقت؛ به طوري که شخص از آن بیم داشت که اگر به نفل مشغول شود نماز فرض از وي فوت مي شود.
- 9- در هنگام حاضر شدن غذا؛ اگر چنانچه شخص گرسنه بود و در نفس خویش میل شدیدی به سوي غذا مي یافت.
- 10- در هنگام فشار آوردن پیشاب، یا مدفوع، یا بادشکم.
- نماز چه فرض باشد و چه نفل، در هنگام فشار آوردن پیشاب، مدفوع، و باد مکروه است.
- 11- در هنگام حضور چیزی که خاطر شخص را به خود مشغول گردانیده و به خشوع در نماز خلل وارد مي کند.
- 12- در بین نماز ظهر و عصر در عرفه- براي حاجي مخصوصاً.
- 13- در بین مغرب و عشاء در مزدلفه- براي حاجي مخصوصاً.

حکم اذان و اقامت

اذان بر مردان برای نمازهای فرض؛ سنت مؤکد است. اقامت بر مردان برای نمازهای فرض؛ سنت مؤکده است، خواه شخص مقیم باشد یا در سفر، و خواه نماز را به جماعت بگزارد، یا به تنهایی، و خواه نماز وقتی را اداء کند یا نماز فوت شده را قضاء آورد. و اذان؛ این است که بگوید:

((الله اكبر، الله اكبر، الله اكبر، الله اكبر، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله، اشهد ان محمداً رسول الله، حي علي الصلاة، حي علي الصلاة، حي علي الفلاح، حي علي الفلاح، الله اكبر، الله اكبر، لا اله الا الله)) ()

و در اذان با مداد اذان است، مگر اینکه در آن بعد از «حي علي الفلاح»؛ دو بار جمله «الصلاه خير من النوم» () را اضافه کند. اقامه هم مثل اذان است، مگر اینکه در آن بعد از «حي علي الفلاح»؛ دو بار گفتن «قد قامت الصلوه» اضافه می گردد. در اذان گفتن درنگ و تأنی و در اقامت گفتن شتاب کرده شود. اذان گفتن جز به زبان عربی صحیح نیست. پس اگر با زبانی غیر از زبان عربی اذان گفت، اذان او صحیح نمی شود، خواه دانسته می شد که آن اذان است، یا دانسته نمی شد.

مستحبات اذان

- امور آتی در اذان مستحب است.
- 1- اینکه مؤذن با وضوء بوده باشد.
 - 2- اینکه مؤذن به سنت و اوقات نماز دانا باشد.
 - 3- اینکه مؤذن فردی نیکو کار باشد.
 - 4- اینکه مؤذن در هنگام اذان گفتن روبه قبله نماید.
 - 5- اینکه مؤذن دو انگشت خود را در دوگوش خود قرار دهد.
 - 6- اینکه در هنگام گفتن «حي الصلاة» روی خویش را به طرف راست بگرداند، و در هنگام گفتن «حي الفلاح» روی خویش را به سمت چپ بگرداند.
 - 7- اینکه در میان اذان و اقامت به اندازه ای که اشخاص پایبند بر جماعت، در آن به نماز حاضر شده بتوانند، فاصله قرار دهد.

ولي اگر چنانچه از فوت شدن وقت مي ترسيد، پس نماز را به تأخير نيندازد.
8- اينکه در نماز مغرب اذان گفتن را به اندازه قرائت سه آية کوتاه يا به اندازه برداشتن سه قدم، به تأخير اندازد.

9- براي کسي که اذان را شنیده است مستحب است که از شغل خویش دست کشیده و مانند آنچه را که مؤذن مي گوید بگويد، مگر اينکه در هنگام گفتن مؤذن: «حي علي الصلاة» و «حي علي الفلاح»، او بايد «لا حول ولا قوة الا بالله» بگويد، و در هنگام گفتن مؤذن: «الصلاه خير من النوم» () بگويد: «صدقته و بررت» ().
10- مستحب است که مؤذن و شنونده اذان بعد از فراغت از اذان با اين کلمات دعا کنند:

«اللهم رب هذه الدعوه التامه و الصلاه القائمه آت محمد الوسيله و الفضيله و ابغثه مقاماً محمود الذي وعدته» ().

اموري که در اذان مکروه است

- امور آتي در اذان مکروه است:
- 1- اذان گفتن با نغمه و آهنگ.
 - 2- اذان گفتن شخص بي وضوء و اقامت گفتن آن.
 - 3- اذان گفتن جنب.
 - 4- اذان گفتن کودک غير عاقل.
 - 5- اذان گفتن شخص ديوانه.
 - 6- اذان گفتن مست.
 - 7- اذان گفتن زن.
 - 8- اذان گفتن فاسق.
 - 9- اذان گفتن شخص نشسته.
 - 10- براي مؤذن مکروه است که در اثناء اذان و اقامت سخن بگويد.
- پس اگر مؤذن در اثنای اذان سخن گفت، براي او مستحب است تا اذان را اعاده کند.
- 11- اذان و اقامت گفتن براي نماز ظهر در روز جمعه- در شهر- مکروه است.
- هر کس که بيشتر از يك نماز از وي فوت گرديد، پس براي نماز فوت شده اول اذان و اقامت بگويد، سپس در نمازهاي باقي مانده مختار است، پس اگر مي خواهد براي هر نماز فوت شده اذان و اقامت بگويد، و اگر مي خواهد فقط به اقامت گفتن اکتفا نمايد.

شرطهاي صحت نماز

در اينجا چيزهايي است که در حقيقت نماز داخل نيست، وليکن اين چيزها براي صحت نماز لازم اند، بگونه اي که اگر يکي از اين چيزها فوت گرديد، نماز صحيح نمي شود، و اين چيزها به نام شرطهاي نماز ناميده مي شوند، که اين شرطها جمعاً شش شرط اند:

1- طهارت: پس نماز بدون طهارت صحيح نيست.

و مراد به طهارت عبارت است از:

الف: اينکه بدن نمازگزار از حدث اصغر، و حدث اکبر پاک بوده باشد.

ب: اينکه بدن نمازگزار از نجاستي که از آن بخشوده نشده است پاک بوده باشد.

ج: اينکه جامه شخص نمازگزار، از نجاستي که از آن بخشوده نشده است پاک بوده باشد.

د: اينکه مکاني که در آن نماز مي خواند، از نجاست پاک بوده باشد.

و در پاک بودن مکان لازم است تا جاي هر دو پا، و هر دو دست، و هر دو زانو، و پيشاني پاک باشد.

2- پوشيدن عورت: پس نماز بدون پوشيدن عورت در هنگام وجود قدرت بر پوشيدن آن صحيح نيست.

و لازم است که عورت شخص نمازگزار از ابتدای داخل شدن در نماز تا هنگام فراغت از آن پوشيده باشد.

اگر چنانچه يك چهارم عضو قبل از داخل شدن در نماز برهنه بود، نماز منعقد نشده است.

و اگر يك چهارم عضو در اثنای نماز به مدت اداء كردن يك ركن برهنه گرديد، نماز باطل شده است.

مقدار عورت مرد: از ناف است تا انتهای زانو، پس زانوي مرد عورت است، بر خلاف ناف آن که عورت نيست.

مقدار عورت کنيز: عورت کنيز از ناف است تا انتهای زانو به همراه پشت و شکم آن.

مقدار عورت زن: تمام بدن زن بجز روي و هر دو کف دست و هر دو پاي آن عورت است.

3- روي آوردن به قبله: بناء نماز بدون آوردن به قبله در هنگام وجود قدرت بر روي آوردن به سوي آن، صحيح نمي شود.

عين کعبه: همانا قبله کسي است که به مکه مکرمه قرار دارد و بر مشاهده کعبه قادر

است.

جهت کعبه: همانا قبله کسی است که بر مشاهده نمودن کعبه قادر نمی باشد. همچنین قبله کسی که از مکه مکرمه دور است، جهت کعبه می باشد. هر کس به جهت بیماری ای، یا به جهت ترس از دشمنی، از روی آوردن به قبله عاجز بود، پس برای او جائز است تا به هر جهتی که قادر است نماز گزارد. 4- وقت نماز: بناء نماز قبل از داخل شدن وقت آن صحیح نمی شود. و بیان اوقات نماز به تفصیل گذشت.

5- نیت: بناء نماز بدون نیت صحیح نمی شود. اگر چنانچه نماز فرض بود، تعیین کردن آن در نیت واجب است، مثل اینکه نماز ظهر یا عصر را- مثلاً- نیت نماید. همچنین اگر نماز واجب بود، تعیین کردن آن در نیت واجب است، مانند اینکه نماز وتر، یا نماز عیدین را نیت نماید. اما اگر نماز نفل بود، پس تعیین کردن آن شرط نیست بلکه نیت مطلق نماز کفایت می کند. اگر چنانچه نماز گزار مقتدی بود، بر او لازم است تا متابعت و پیروی امام را نیت نماید.

6- تحریمه: و مراد به تحریمه آن است که نمازش را با ذکر خالصی برای خدای متعال افتتاح نماید، مانند اینکه بگوید: الله اکبر، یا الله اعظم، یا سبحان الله. و میان نیت و تکبیر افتتاح با عملی که منافی با نماز است- همچون خوردن و آشامیدن- فاصله نیندازد.

و در تحریمه شرط است که آنرا در حال ایستادن قبل از انحناء برای رکوع بجای آورد.

و اینکه نیت را از تکبیر افتتاح به تأخیر نیندازد. و اینکه بگوید "الله اکبر" به نحوی که خودش خود را بشنواند.

فروعاتی که به شرطهای نماز تعلق می گیرند

کسی که چیزی را نمی یابد تا به وسیله آن نجاست را زائل گرداند، پس به همراه نجاست نماز بگزارد، و نماز خویش را عود نکند. کسی که جامه ای را نمی یابد تا به وسیله آن عورت خویش را بپوشاند و همچنین علف یا گلی را برای این منظور نمی یابد، پس برهنه نماز بخواند و نمازش را عود نکند. هر آن کس که یک چهارم جامه اش پاک بود، نماز آن بطور برهنه جواز ندارد.

هر آن کس که جامه اش نجس بود، پس نماز خواندن آن در جامه نجس بهتر از نماز خواندن آن بطور برهنه است.

شخص برهنه نماز را نشسته بخواند، در حالی که هر دو پایش را به سوی قبله دراز نموده است، و رکوع و سجده را به اشاره بگذارد.

نماز گزاردن بر گوشه ای از جامه نجس جائز است، این در صورتی است که يك طرف آن جامه با حرکت دادن طرف دیگر آن حرکت نکند.

نماز گزاردن بر روی نمدي که قسمت بالاي آن پاك و قسمت پائين آن نجس است، جواز دارد.

شخصی که قبله بر روی مشتبه و پوشیده گردیده است و کسی را نمی یابد که از او در باره قبله سؤال نماید، و همچنین چیز دیگری وجود ندارد که بر قبله دلالت نماید،

پس باید با تحقیق و بررسی اندرونی و گمان غالب خویش نماز بگذارد.

اگر بعد از بررسی نزد خود نماز گزارد اما باز هم در قبله اشتباه کرد، نماز وی صحیح است.

اگر در اثناي نماز به اشتباه خویش پی برد، به سوی قبله بچرخد و به نماز خویش ادامه دهد.

اگر از چند عضو متفرقه، بخشهایی از عورت برهنه گردید، پس اگر چنانچه

مجموع آنها به اندازه يك چهارم کوچکترین اعضاي برهنه شده می رسید، نماز وی باطل است.

و اگر چنانچه مجموع اعضاي برهنه شده کمتر از این مقدار بود؛ نماز وی صحیح است.

ارکان نماز

ارکان () نماز پنج چیز است، و این پنج فرائض نماز نیز می باشند.

پس کسی که يك رکن از آنها را ترك کرد نمازش باطل است، خواه آن را به قصد ترك کرده باشد یا به سهو.

1- قیام(ایستادن): پس نماز بدون قیام صحیح نیست؛ اگر چنانچه شخص بر آن قادر بود.

و قیام در نمازهای نافله فرض نیست.

پس گزاردن نمازهای نافله- باوجود داشتن قدرت بر قیام- بطور نشسته جائز است.

2- قرائت: اگر چه يك آیه کوتاه؛ پس نماز بدون قرائت صحیح نیست.

قرائت در دو رکعت اول از نمازهای فرض، فرض است.

و قرائت در تمام رکعت های نمازهای واجب و نفل فرض است.

و قرائت از نمازگزار ساقط می‌گردد اگر چنانچه او مقتدی بود، بلکه حتی قرائت برای مقتدی مکروه است.

3- رکوع: پس نماز بدون رکوع صحیح نیست.

اندازه فرض شده از رکوع با فرود آوردن سر محقق می‌شود، و اینکه شخص طوری انحاء کند که به حال رکوع نزدیک تر باشد. اما کمال رکوع با منحنی ساختن پشت محقق می‌شود؛ به گونه‌ای که سر با سرین برابر گردد.

4- سجده: پس نماز انجام دادن دو سجده در هر رکعت صحیح نیست.

اندازه فرض شده از سجده بانهادن بخشی از پیشانی، و نهادن یکی از دو دست، و یکی از دو زانو، و چیزی از اطراف یکی از دو پا بر زمین، محقق می‌شود. اما کمال سجده در صورتی محقق می‌شود که هر دو دست و هر دو زانو و هر دو پا و پیشانی و بینی بر زمین نهاده شوند.

و سجده صحیح نیست مگر بر چیزی که پیشانی شخص بر آن قرار گیرد، به نحوی که اگر سجده کننده در حال سجده بر پیشانی خویش فشار آورد؛ سر آن بیش از آنچه که در حال نهادن آن بود پائین تر نرود.

و اکتفا نمودن در سجده بر نهادن بینی، صحیح نیست مگر اینکه شخص دارای عذری باشد.

اگر کسی بر کف دست خویش، یا بر کنار جامه خویش سجده کرد، سجده اش جواز دارد، اما همراه با کراهیت.

و برای صحت سجده این امر شرط است که محل سجده بیشتر از نصف گز از جای نهادن هر دو پا بلند نباشد.

پس اگر ارتفاع موضع سجده از نصف گز زیادتر بود، نماز صحیح نیست، مگر در صورتی که از دحام شدیدی بوده باشد.

5- قعدة اخير به مقدار خواندن التحیات بعضی از فقهاء بیرون شدن از نماز را با فعل نمازگزار نیز از فرائض نماز دانسته‌اند، ولیکن در نزد محققان این امر فرض نیست، بلکه واجب می‌باشد.

واجبات نماز

امور آتی در نماز واجب است.

پس هر کس چیزی از این را سهواً ترک نمود، نماز آن ناقص است و باید آن را با سجده سهو جبران نماید.

و هر کس چیزی از این امور را عمداً ترک نمود، اعاده نماز بروی واجب می‌شود،

و در غیر آن گناه کار است.

- 1- افتتاح نماز مخصوصاً با گفتن: «الله اکبر».
- 2- قرائت سوره فاتحه در دو رکعت اول از نماز فرض، و در تمام رکعت‌های وتر و نفل.
- 3- ضمیمه نمودن يك سوره کوتاه یا سه آیه کوتاه با سوره فاتحه ((الحمد لله)) در دو رکعت اول از نمازهای فرض، و در تمام رکعت‌های وتر و نفل.
- 4- مقدم نمودن فاتحه ((الحمد لله)) بر سوره یا آیات دیگر.
- 5- داء نمودن سجده دوم بعد از سجده اول، بدون فاصله انداختن در میان آنها.
- 6- أداء نمودن تمام ارکان نماز با اعتدال و طمأنینه ().
- 7- نشستن در قعدة اول به اندازه خواندن التحیات.
- 8- خواندن التحیات در قعدة اول، و همچنین در قعدة اخیر ().
- 9- ایستادن به رکعت سوم فوراً به دون تأخیر و درنگ، بعد از فارغ شدن از خواندن التحیات.
- 10- خارج شدن از نماز به لفظ سلام: (دوبار).
- 11- خواندن دعاء قنوت در رکعت سوم از نماز وتر بعد از فراغت از قرائت فاتحه و سوره.
- 12- گفتن تکبیرات زوائد در عیدین، و آن تکبیر در هر رکعت است.
- 13- گفتن تکبیر رکوع در رکعت دوم از نماز هر دو عید.
- 14- بلند خواندن امام قرئت را () در نماز بامداد و در دو رکعت اول از نماز مغرب، و در دو رکعت اول از نماز عشاء، و در نماز جمعه، و در نماز هر دو عید، و در نماز تراویح در رمضان.
- منفرد (تنهاگزار) در نماز جهریه مختار است؛ اگر می خواهد قرائت را بلند بخواند، و اگر می خواهد آنرا آهسته بخواند، مگر اینکه در نمازهای جهریه افضل (بهتر) بلند خواندن آن است.
- 15- قرائت امام، و منفرد (تنهاگزار) به طور آهسته در نمازهای ظهر و عصر، و در رکعت اخیر از نماز مغرب، و در رکعت اخیر از نماز عشاء و همچنین در نمازهای نافله روز.
- کسی که سوره را در دو رکعت اول از نماز عشاء ترك کرد، آن را در دو رکعت اخیر به همراه فاتحه به طور جهری بخواند، و سجده سهو هم انجام دهد.
- و کسی که سوره فاتحه را در دو رکعت اول ترك کرد، آنرا در دو رکعت اخیر تکرار نکند، بلکه برای جبران آنچه که از وی فوت شده است سجده سهو انجام دهد.

سنتهاي نماز

- امور آتي در نماز سنت است، و عمل كردن به آنها لازم مي باشد تا نماز شخص كامل گردد، چنانكه رسول اكرم ص فرموده اند: «صلوا كما رايتموني اصلي-
انگونه نماز بخوانيد كه من را مي بينيد نماز مي خوانم».
- 1- اينكه در هنگام گفتن تكبير تحريمه راست بايستد، بدون اينكه سرش را فرواندازد.
 - 2- اينكه دستهايش را قبل از گفتن تكبير تحريمه به برابر هر دو گوشش بلند نمايد).
 - 3- اينكه هر دو كف دست و انگشتانش در حالت بالا بردن دو دست در تكبير تحريمه رو به سوي قبله باشد.
 - 4- اينكه انگشتانش را در وقت بالا بردن هر دو دست، به طور عادي بر حال خود باقي گذارد، پس نه آنها را كلاً به هم بچسباند و نه هم آنها را كلاً از همدیگر باز و گشاده گرداند.
 - 5- اينكه دست راست خويش را بر بالاي دست چپ خويش در زير ناف بنهد ().
 - 6- اينكه داخل كف دست راست خود را بر بيرون كف دست چپ خود قرار دهد در حالي كه دو انگشت «خنصر» و «ايهام» را بر مچ دست خويش حلقه نموده است ().
 - 7- اينكه به دنبال نهادن هر دو دست بر زير ناف، ثناء بخواند.
و ثناء اين است كه بگويد: «سبحنك اللهم و بحمدك، و تبارك اسمك، و تعالي جدك، و لا اله غيرك».
 - 8- اينكه قبل از قرائت سورة فاتحه: «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم» بگويد ().
 - 9- اينكه در هر ركعت قبل از سورة فاتحه: «بسم الله الرحمن الرحيم» بگويد.
 - 10- اينكه در هنگام فارغ شدن از سورة فاتحه، آهسته: «آمين» بگويد.
 - 11- اينكه در حالت قيام در ميان هر دو پاي خويش به اندازه چهار انگشت گشادگي باقي گذارد.
 - 12- اينكه در نماز ظهر و در نماز با مداد، بعد از قرائت فاتحه سوره اي را از سوره هاي اوساط مفصل () بخواند، و در نماز عصر و عشاء، سوره اي را از سوره هاي اوساط مفصل () بخواند، و در نماز مغرب سوره اي را از سوره هاي قصار مفصل () بخواند.
 - 13- اينكه فقط در نماز با مداد، ركعت اول را از ركعت دوم طولاني تر گرداند.
 - 14- تكبير ركوع است.
 - 15- اينكه در حال ركوع، هر دو زانوي خويش را با هر دو دست خويش گرفته و انگشتانش را از هم گشاده گرداند.

- 16- در حال رکوع پشتش را هموار گردانیده و سرش را با سرینش برابر سازد، و هر دو ساق پای خویش را راست و کشیده بدارد.
- 17- اینکه در رکوع حد اقل سه بار «سبحان ربي العظيم» بگوید.
- 18- اینکه مرد در حال رکوع دو دستش را از دو پهلویش دور نگهدارد.
- 19- اینکه امام در هنگام برداشتن سر از رکوع «سمع الله لمن حمده» و مقتدي آهسته «ربنا ولك الحمد» بگوید.
- و منفرد (تنهاگزار) هر دو را با هم یکجا بگوید.
- 20- تکبیر سجده است.
- 21- اینکه در هنگام سجده، اول هر دو زانوی خود، سپس هر دودست خود، و سپس روی خود را بر زمین بنهد.
- 22- اینکه در هنگام برخاستن از سجده، اول خود، سپس هر دو دست خود، و سپس هر دو زانوی خود را از زمین بر دارد.
- 23- اینکه در حال سجده، روی خویش را در میان هر دو کف دست خویش بنهد.
- 24- اینکه در حال سجده، شکم خویش را از هر دوران خویش، و هر دو آرنج خویش را از دو پهلوئی خویش، و هر دو بازوی خویش را از زمین دور گرداند.
- 25- اینکه در حال سجده، انگشتان هر دو دست وی به هم چسبیده باشد.
- 26- اینکه در حال سجده، انگشتان هر دو پای وی رو به سوی قبله باشد.
- 27- اینکه در سجده حد اقل سه بار به طور آهسته: «سبحان ربي الاعلي» بگوید.
- 28- اینکه برای برداشتن سر از سجده تکبیر بگوید.
- 29- اینکه بدون نشستن و بدون تکیه دادن دودست خویش به زمین، از سجده برخیزد، مگر در صورتی که برای وی عذری باشد.
- 30- اینکه هر دودست را در بین دو سجده بر هر دو ران خویش بنهد، چنانکه در حال خواندن التحیات آنها را می نهاد.
- 31- اینکه در حالت نشستن در قعدة اول و اخير پای چپش را فرش نموده و پای راستش را ایستاده کند ().
- 32- اینکه با انگشت مسبحة (سبابه) در تشهد اشاره کند، یعنی آن را در هنگام گفتن «لااله» بلند نموده و در هنگام گفتن «الا الله» فرونهد.
- 33- اینکه سورة فاتحه را در دو رکعت اخير از نمازهاي ظهر و عصر و عشاء و در رکعت سوم از نماز مغرب بخواند.
- 34- اینکه بعد از تشهد در قعدة اخير بر رسول خدا ص درود بخواند.
- 35- اینکه بعد از تشهد در قعدة اخير بر رسول اکرم ص در حق خویش با دعاهای مأثوره دعاء نماید.
- و از دعاهای مأثوره یکی هم این دعاء است:
- «اللهم اني ظلمت نفسي ظلماً كثيراً، و انه لا يغفر الذنوب الا انت، فاغفر لي مغفرة من عندك، وارحمني، انك انت الغفور الرحيم» ().

- 36- در هنگام گفتن «السلام عليكم ورحمة الله» روي خویش را به جانب راست و چپ بگرداند.
- 37- اینکه امام، تکبیرات انتقال را بلند و مقتدی آنها را آهسته بگوید ().
- 38- اینکه امام به «السلام عليكم ورحمة الله» را بلند، و مقتدی آنرا آهسته بگوید.
- 39- اینکه امام به سلام خویش؛ مردان، و فرشتگان نگهبان (ملائکه حفظه) و جنیان صلح و نیکو کار را نیت کند، یعنی اینکه نیت او این باشد که برای آنها سلام می گوید.
- و مقتدی به سلام خویش امام را به همراه جمعیت همراه امام نیت کند، و منفرد (تنهاگزار) فقط فرشتگان را نیت کند.
- 40- اینکه آواز خویش را در سلام دوم نسبت به سلام اول پایین بیورد.
- 41- اینکه سلام دادن را از جانب راست آغاز کند.
- 42- اینکه سلام مقتدی با سلام امامش پیوسته باشد.
- 43- اینکه مسبوق، فراغت امام را از هر دو سلام انتظار بکشد، و قبل از فراغت امام از هر دو سلام، برای تمام کردن نماز خویش ایستاده نشود.

فاسد کننده های نماز

- نماز فاسد می شود اگر یکی از امور آتی در اثناء نماز رونما گردید:
- 1- اگر شرطی از شرطهای نماز از نمازگزار فوت گردید.
 - 2- اگر نمازگزار رکنی از ارکان نماز را ترك کرد.
 - 3- اگر نمازگزار در اثناء نماز خویش سخن گفت، خواه سخن گفتن وی به قصد باشد، یا به سهو، یا به خطاء.
 - 4- اگر نمازگزار در نماز به چیزی دعاء کرد که مشابه باکلام مردم است، مانند انیکه بگوید: ای بار خدایا! فلان دختر را به نکاح من در آور، یا انار و سیبی روزی من کن.
 - 5- اگر بر کسی سلام گفت، یا جواب سلام وی را به زبان، یا به مصافحه برگرداند.
- برابر است که سلام دادن وی به قصد بوده باشد، یا به سهو، یا به خطاء. اما اگر چنانچه جواب سلام را به اشاره داد؛ نمازش فاسد نمی شود.
- 6- اگر در اثنای نماز عمل کثیر انجام داد ().
 - 7- اگر سینه اش را از جهت قبله برگرداند ().
 - 8- اگر در اثنای نماز چیزی خورد، یا چیزی آشامید، و لو اینکه آن چیز خورده شده یا آشامیده شده اندک باشد.

- 9- اگر چیزی را خورد که به دندانهایش چسبیده بود، و به اندازه ای يك نخود بود).
- 10- اگر بدون ضرورت، سینه صاف کرد ().
- 11- اگر در نماز آه کشید، یا اف گفت، یا ناله نمود. در صورتیکه این چیزها ناشی از ترس خدای متعال نبوده باشد.
- و بیماری که خود را از آه و ناله نگهداری کرده نمی تواند، از این حکم مستثنی است، پس نماز وی با آخ و اف فاسد نمی شود.
- 12- اگر به آواز بلند گریست، و این گریه او ناشی از ترس خدای متعال، یا از یاد آوری بهشت، یا دوزخ نبود، بلکه ناشی از درد، یا مصیبتی بود ().
- 13- اگر عورت نمازگزار در اثنای نماز به مدت اداء يك رکن برهنه گردید.
- 14- اگر در بدن نمازگزار، یا در جامه اش، یا در مکان نمازش به مدت اداء يك رکن نجاستی پیدا شد.
- 15- اگر بر نمازگزار در اثنای نماز دیوانگی عارض گردید.
- 16- اگر بر نمازگزار در اثنای نماز بیهوشی عارض گردید.
- 17- اگر خورشید در هنگامی که نمازگزار مصروف اداء نماز با مداد بود، طلوع کرد.
- 18- اگر وقت زوال در نماز عیدین داخل گردید.
- 19- اگر وقت عصر در نماز جمعه داخل گردید.
- 20- اگر نمازگزار تیمم زده بود، پس آب را یافت، و بر استعمال آب قدرت پیدا کرد.
- 21- اگر وضوء نمازگزار با عمل وی یابیه غیر عملش شکست ().
- 22- اگر همزة ((الله اکبر)) را مد کشید.
- 23- اگر از روی مصحف قرائت خواند.
- 24- اگر رکنی از ارکان نماز را در حالت خواب اداء کرد و آن رکن را بعد از بیدار شدن از خواب اعاده ننمود.
- 25- اگر نمازگزار صاحب ترتیب بود، پس در اثنای نماز خویش بیاد آورد که بر عهده وی نماز فوت شده ای است که هنوز آن را قضاء نیاورده است.
- 26- اگر امام (پیشنماز) مردی را خلیفة (جانشین) خود ساخت که صلاحیت امامت رانداشت.
- 27- اگر نمازگزار گمان کرد که بر وی وضوئی عارض شده است پس از مسجد بیرون شد، یا از صفهای نماز گذشت، یا از نزد (ستره) () در غیر از مسجد گذشت.
- 28- اگر در اثنای نماز به آواز بلند خندید.
- 29- اگر موزه اش را در اثنای نماز کشید، خواه این کشیدن با عمل اندک باشد یا با عمل بسیار (کثیر).
- 30- اگر مقتدی از امامش در ادای رکنی سبقت جست، به نحوی که در ادای این

رکن با امام شریک نبود.

مانند اینکه مقتدی قبل از امام خویش رکوع نموده و سرش را قبل از رکوع امام بلند کند، و این رکوع را به همراه امام عود ننماید.

31- اگر در اثنای نماز جنب گردید، خواه جنابت وی با نگرستن به سوی زنی روی داد، یا با فکر کردن در زیبایی آن زن، یا با احتلام ().

اموری که نماز با آنها فاسد نمی شود

نماز با امور آتی فاسد نمی شود:

- 1- اگر سهواً برای بیرون شدن از نماز سلام داد.
- 2- اگر کسی از موضع سجده آن گذشت.
- 3- اگر چیزی را خورد که به دندانهایش چسبیده بود و آن چیز کمتر از یک دانه نخود بود.
- 4- اگر به سوی نوشته ای نگریست، و آن نوشته را فهمید.

اموری که در نماز مکروه است

امور آتی در نماز مکروه است، پس اجتناب از آنها لازم است تا بر نماز نقصی عارض نگردد:

- 1- ترك سنتی از سنتهای نماز به قصد.
- 2- بازی کردن نمازگزار با جامه، یا بدن خویش.
- 3- نماز خواندن در جامه بذله و حقیری که شخص در مانند آن جامه به سوی اشراف مردم بیرون نمی آید.
- 4- تکیه نمودن بر چیزی در حال نماز.
- 5- میل کردن با گردن به سمت چپ و راست بدون نیاز.
- 6- نماز خواندن در روبه روی آدمی ای.
- 7- نماز خواندن در هنگام فشار پیشاب، مدفوع، و باد شکم.
- 8- نماز خواندن در زمین غیر، بدون رضای آن.
- 9- نماز خواندن در روبروی آتش، یا در روبروی گلخن و آتشدانی که در آن آتش است.
- 10- نماز خواندن در مکان حقیر و پستی چون حمام، و مستراح (توالت).

- 11- نماز خواندن در میان راه.
- 12- نماز خواندن در گورستان.
- 13- نماز خواندن در نزدیک موضع نجاست.
- 14- نماز خواندن به همراه نجاست اندکی که نماز با آن بدون عذر جواز دارد.
- 15- نماز خواندن در جامه ای که در آن تصاویر موجود ذی روحی است.
- 16- نماز خواندن در مکانی که در آن عکس و تصویر هست، خواه تصویر بالای سر آن باشد، یا جلوی روی آن، یا پشت سر آن ().
- 17- در هم شکستن و به صدا در آوردن انگشتان.
- 18- در هم داخل نمودن انگشتان.
- 19- چهار زانو نشستن بدون عذر.
- 20- چمباتمه نشستن ().
- 21- فرش نمودن هر دو بازوی خود در حالت سجده.
- 22- نهادن هر دو دست خود بر تهی گاه خویش.
- 23- بالا زدن هر دو آستین از هر دو بازوی خویش.
- 24- نماز خواندن، تنها با شلوار، یا تنها با زیر جامه، به همراه داشتن قدرت بر پوشیدن پیراهن.
- 25- نماز خواندن با سر برهنه بدون عذر، یا بدون در نظر داشت مصلحتی ().
- 26- نماز خواندن در پشت صفی که در آن گشاده گی و گنجایشی برای ایستادن او موجود است.
- 27- شمردن آیات و تسبیح ها با انگشتان خویش.
- 28- پاک کردن خاکی که او را اذیت نمی کند از روی خویش در اثناء نماز.
- 29- بسنده کردن در سجده تنها بر پیشانی، بدون عذر.
- 30- نماز خواندن در حال حاضر بودن غذا، اگر چنانچه نفس آن میل به غذا داشت.
- 31- معین کردن سوره ای خاص در نماز، به طوری که غیر از آن دیگر سوره ای را نخواند.
- 32- تکرار کردن قرائت یک سوره در دو رکعت از نماز فرض، اگر چنانچه غیر آن نیز از حفظ داشت.
- 33- قرائت بر خلاف ترتیب سوره ها به قصد () در نمازهای فرض.
- 34- طولانی تر کردن رکعت دوم بر رکعت اول، به دراز کردنی زیاد و فاحش ().
- 35- برگرداندن انگشتان دستها، یا پاهایش از جهت قبله در حال سجده، یا در غیر آن.
- 36- سجده کردن بر پیچ عمامه خود، یا سجده کردن بر تصویر ذی روحی.
- 37- فاصله انداختن در نمازهای فرض بایک سوره کوتاه میان دو سوره ای که آنها را خوانده است، مانند اینکه در رکعت اول سوره «تکاتر» را بخواند و در رکعت

- دوم سورة «همزه» را، و در میان آن دو، سورة عصر را ترك كند و بجا گذارد.
- 38- ننهادن دو دست بر دو زانو در ركوع.
- 39- ننهادن دو دست بر دوران در تشهد، و در جلسه میان دو سجده.
- 40- خمیازه کشیدن.
- بناءً اگر خمیازه بروی غلبه کرد باید آن را فروبندد، به اینکه بیرون دست راست خویش را بر دهانش بنهد.
- 41- جواب دادن سلام با اشاره.
- 42- گرفتن شپش در حال نماز، و کشتن آن.
- 43- نماز خواندن در حالي که دور سرش را با منديل بسته است، و میان آن را برهنه گذاشته است.
- 44- نماز خواندن در حالي که موي خود را بافته و آنرا دور سر خویش پیچیده است ().
- 45- اینکه جامه اش را از پیش رو یا از پس پشت خویش در هنگام ركوع و سجده بالا زند، از بیم آنکه به خاك آلوده شود.
- 46- فروآویختن جامه اش، به اینکه جامه را بر سر خویش قرار دهد، یا بر دوش خویش بیندازد و هر دو سوی آن را رهاکند بدون اینکه آنها را از هر دو جانب به هم ضمیمه گرداند.
- 47- فرو آویختن ازار یا شلوارش به پایین تر از هر دو قوزك (بجلك) پا.
- 48- ركوع کردن قبل از تمام نمودن قرائت، و سپس تکمیل نمودن قرائت در ركوع.
- 49- ایستادن امام با تمامی بدن خویش در محراب بدون عذر ().
- 50- ایستادن امام به تنهایی در مكاني مرتفع به اندازه يك گز، یا در مكاني گود و پایین بدون عذر، پس اگر یکی از مقتدي ها به همراه او ایستاد، نماز مکروه نیست.
- 51- بر هم ننهادن پلکهاي خویش بدون مصلحتي ().
- 52- بالا بردن دو چشمانش در نگریستن به سوی آسمان.

اموري که در نماز مکروه نیست

- امور آتي در نماز مکروه نیست.
- 1- بر گرداندن چشم بدون برگرداندن روي.
- 2- نماز خواندن در روبروي مصحف.
- 3- نماز خواندن به پشت سر مرد نشسته اي که سخن مي گوید.
- 4- نماز خواندن در روبروي چراغ، یا چلچراغ (لوستر).
- 5- تکرار يك سوره در دو ركعت از نمازهاي نفل.

- 6- پاك كردن پيشاني خويش از خاك، يا از علف و خار و خاشاك، بعد از فارغ شدن از نماز.
- همچنين پاك كردن پيشاني خويش در ميان نماز از خاشاك يا خاكي كه او را اذيت مي كند، يا او را از نمازش به خود مشغول مي گرداند.
- 7- كشتن مار يا عقرب، اگر چنانچه از آزار آنها بيم داشت.
- 8- افشاندن مجامه اش، براي اينكه در ركوع يا سجده به بدنش نچسبد.
- 9- سجده كردن بر فرشي كه در آن تصاوير ذي روي است، اگر بر اين تصاوير سجده نمي كرد.
- 10- نماز خواندن رو بروي شمشير آويخته اي.

كيفيت اداء نماز

آنگاه كه مي خواستي نماز بگزاري، پس بر خيز و بایست، و هر دو كف دستت را به برابر هر دو گوش بلند كن در حالي كه نيت كنده اداء نماز هستي، سپس بگوي: «الله اكبر»، آنگاه دست راستت را بر بالاي دست چپ در زير ناف خويش بنه- بيدرنگ به دنبال تكبير تحریمه- سپس نماز را افتتاح كن با خواندن آهسته: «سبحانك اللهم و بحمدك، و تبارك اسمك، و تعالي جديك، و لا اله غيرك».

سپس آهسته بگوي: «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم» ().

سپس سورة فاتحه را بخوان، پس چون از قرائت سورة فاتحه فارغ گرديدي، آهسته «آمين» بگوي، آنگاه سوره اي را بخوان، يا سه آيت کوتاه را، يا حد اقل يك آية بلند را، سپس با گفتن «الله اكبر» ركوع كن در حالي كه سرت را با سرينت برابر ساخته و هر دو زانويت را با دو دستت با انگشتان گشاده، گرفته اي، و بگوي- در حالي كه در ركوع قرار داري- «سبحان ربي العظيم» سه بار علي الاقل، سپس سرت را از ركوع بردار در حاليكه مي گوئي: «سمع الله لمن حمده» «ربنا ولك الحمد» اكتفا كن، و آرام و مطمئن بایست، آنگاه تكبير بگوي در حالي كه به سوي سجده مي روي، و ابتداء هر دو زانويت را بر زمين بنه، سپس هر دو دستت را، سپس رویت را در ميان هر دو كف دستت.

و به آرامي بابيني ات، و پيشاني ات سجده كن در حالي كه شكمت را از هر دو رانت، و هر دو بازويت را از پهلوهايت دور گردانیده اي ()- اگر چنانچه از دحام نبود- و در حالي كه انگشتان دستها و پاهایت را بسوي قبله برگردانیده اي، و در سجده بگوي: «سبحان ربي الاعلي» حد اقل سه بار.

آنگاه تكبير بگوي، در حالي كه سرت را از سجده اول برداشته اي، و در ميان دو سجده بنشين و آرام بگير، در حالي كه هر دو دستت را بر دو رانت نهاده اي، سپس

تکبیر بگویی، و بار دوم سجده کن، و در سجده دوم نیز حد اقل سه بار تسبیح بگویی. آنگاه سرت را تکبیر گویان از سجده بردار- برای پا خواستن- بدون تکیه کردن بر زمین با دستهایت، و بدون نشستن. و در اینجاست که رکعت اول به پایان رسیده است، و در رکعت دوم نیز همانند آنچه که در رکعت اول انجام داده ای، انجام بده، مگر اینکه در اینجا دیگر دستهایت را بلند نمی کنی، و دعاء استفتاح() را نمی خوانی، و در آن «اعوذ بالله...» نیز نمی گوئی، و چون از سجده رکعت دوم فارغ شدي پای چپت را فرش کن، و بر آن بنشین، و پای راستت را ایستاده کن، در حالی که انگشتان آن را به سوی قبله برگردانیده ای، و دستهایت را بر هر دو رانت بنه، در حالی که انگشتانت را از هم گشاده گردانیده ای، آنگاه تشهدی را که از حضرت عبدالله ابن مسعود رض منقول است بخوان:

«التحيات لله والصلوة والطيبات، والسلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا و علي عبادالله الصالحين، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله»()، در حالی که انگشت مسبحه را در شهادت به اشاره بالا کرده ای، یعنی آن را در هنگام گفتن «لااله» بلند کن، و در هنگام گفتن «الا الله» فرودآور، و اگر نماز دو رکعتی بود- همچون نماز با مداد و جمعه و عیدین- پس بر رسول خدا ص بعد از تشهد درود بخوان، و بگو:

« اللهم صل علي محمد و علي آل محمد كما صليت علي ابراهيم و علي آل ابراهيم انك حميد مجيد، اللهم بارك علي محمد و علي آل محمد، كما باركت علي ابراهيم و علي آل ابراهيم انك حميد مجيد»().

سپس دعاء بخوان، نظیر آن دعاهائی که در قرآن کریم وارد شده است، مثل اینکه بگویی: «ربنا آتنا في الدنيا حسنه، و في الآخرة حسنه و قنا عذاب النار» ()، سپس به سمت راست و چپ سلام بده در حالی که می گوئی: «السلام عليكم ورحمة الله»، و حال آنکه به هر دو سلام خود کسانی را نیت داری که همراه تواند از نماز گزاران و فرشتگان نگهبان(حفظه) و جنیان نیکوکار.

و اگر نماز سه رکعتی، یا چهار رکعتی بود، پس در قعدة اول بر تشهد میفزای، بلکه بدنبال فارغ شدن از تشهد، تکبیر گویان برای رکعت سوم بر خیز، و در رکعت سوم فقط سورة فاتحه را بخوان، اگر چنانچه نماز سه رکعتی بود همچون نماز مغرب، و در رکعت چهارم نیز فقط سورة فاتحه را بخوان اگر چنانچه نماز چهار رکعتی بود، همچون نماز ظهر و عصر مثلاً ()، و رکوع و سجده کن همچنانکه در دو رکعت اول می کردی، سپس بنشین و در قعدة اخیر تشهد را بخوان و بر رسول خدا ص همچنانکه گذشت درود بخوان.

فضیلت نماز جماعت

خدای متعال فرموده است: ((و ارکعوا مع الراكعين- و رکوع کنید با رکوع کنندگان)). (سوره بقره- 43)

و رسول خدا ص فرموده است: «صلاه الجماعه تفضل صلاه الفذ بسبع و عشرين درجه- نماز جماعت بر نماز منفرد به بیست و هفت درجه برتری دارد». (به روایت مسلم)

و مسلم است که رسول خدا ص در طول حیات شریف خویش بر نماز جماعت مواظب و پایبند بوده و از جماعت حتی در بیماریشان تخلف نکرده اند، مگر به ندرت.

و همچنین صحابه بزرگوار رضی بر نماز جماعت سخت پایبند بودند و از جماعت تخلف نمی کردند مگر شخص معذور یا منافقی که نفاق آن معروف و شناخته شده بود، چنانچه از حضرت عبدالله ابن مسعود رضی روایت شده است که فرمود: «ما را به حالتی می دیدی که از نماز جماعت تخلف نمی کرد مگر منافقی که نفاق آن شناخته شده بود، یا بیماری، و چنان بود که حتی بیمار با تکیه بر شانه های دو مرد به سختی راه می رفت تا به نماز جماعت می آمد، و فرمود: رسول خدا ص به ما سنتهای هدی را تعلیم دادند، و همانا از سنتهای هدی نماز خواندن در مسجدی است که در آن اذان گفته می شود». (به روایت مسلم)

جماعت: همانا ارتباطی است که در میان نماز مقتدی و امام برقرار می شود. جماعت بایک تن همراه امام در همه نمازها منعقد می شود مگر در نماز جمعه. و جماعت در نماز جمعه با سه مرد به جز امام، منعقد می شود.

حکم جماعت

جماعت نمازهای پنجگانه برای مردان سنت عینی مؤکده ای است که در قوت خود شبیه واجب می باشد.

و تخلف از جماعت جواز ندارد مگر با عذری شرعی.

هر کس که عذری ندارد و معتاد به ترک جماعت است پس محققاً گناه کار می باشد. جماعت شرط اقامه نمازهای جمعه و عیدین می باشد.

پس نماز جمعه، و نمازهای عیدین بدون جماعت صحیح نمی شود.

جماعت برای نماز تراویح و برای نماز کسوف (خورشید گرفتگی) سنت کفایی مؤکده ای است.

جماعت براي نماز وتر در رمضان مستحب است. جماعت براي نماز وتر در غير رمضان مكروه تنزيهي است. اگر چنانچه نماز گزاران آنرا به طور دائم بر پا مي ساختند. پس اگر در غير رمضان يك بار يا دو بار نماز وتر را به جماعت گزاردند، بدون اينكه بر آن مواظبت كنند، به آن باكي نيست. جماعت براي نماز خسوف (ماه گرفتگي) مكروه است. و جماعت براي نمازهاي نافله مكروه است اگر چنانچه با دعوت كردن مردم از يكدیگر جهت إقامة آن و با اعلام نمودن بر پا مي گرديد. اما اگر مردم بدون دعوت و اعلامي جمع شدند و بدون اذان و اقامه جماعت نافله را بر پا كردند، اين كار مكروه نيست. برگزار كردن جماعت دوم در مسجد محلي كه داراي امام و مؤذن است، در حالي كه اهل آن محله با اذان و اقامت نماز گزارده اند، مكروه است، اما اگر چنانچه شكل و هيئت برگزاري نماز جماعت دوم با جماعت اول فرق داشت، به اين ترتيب كه امام جماعت دوم در غير مكاني كه امام جماعت اول در آن ايستاده بود؛ ايستاد پس برگزار كردن جماعت دوم مكروه نيست.

جماعت براي چه كسي سنت است؟

جماعت براي كسي كه در آن شرطهاي آتي فراهم باشد سنت مؤكده اي است كه در قوت خود شبیه واجب مي باشد:

- 1- اينكه مرد باشد، پس جماعت براي زن سنت نيست.
- 2- اينكه بالغ باشد، پس جماعت براي كودك سنت نيست.
- 3- اينكه عاقل باشد، پس جماعت براي ديوانه سنت نيست.
- 4- اينكه از عذرها سالم باشد، پس جماعت براي شخص معذور سنت نيست.
- 5- اينكه آزاد باشد، پس جماعت براي برده سنت نيست.

اگر هر يك از زن، كودك، ديوانه، معذور، و برده به جماعت نماز گزاردند؛ نماز آنها صحيح است و بر آن ثواب داده مي شوند.

حضور در جماعت چه وقت ساقط مي شود؟

اگر يكي از عذر هاي آتي رونما گرديد؛ حضور در جماعت ساقط مي شود:

- 1- اگر از آسمان باران سختي مي باريد.
- 2- اگر هوا بسيار سرد بود، به طوري كه شخص مي ترسيد كه اگر به سوي مسجد بيرون رود بيمار مي شود، يا بيماري موجود وي شدت مي يابد.
- 3- اگر در راه گل سختي بود.
- 4- اگر هوا سخت تاريك بود.
- 5- اگر شب بود و باد سختي مي وزيد ().
- 6- اگر شخص مريض بود.
- 7- اگر شخص نابينا بود.
- 8- اگر شخص پير مرد فرتوتي بود كه توانائي پياده رفتن به مسجد را نداشت.
- 9- اگر شخص؛ پر ستار بيماري بود و به امور وي مي پرداخت.
- 10- اگر شخص؛ تحت فشار پيشاب يا مدفوع خويش بود.
- 11- اگر شخص؛ زنداني بود، چه به خاطر حق كسي زنداني گرديده بود و چه بدون حق.
- 12- اگر هر دو پاي شخص يا يكي از دو پاي آن قطع شده بود.
- 13- اگر شخص داراي درد و علتی بود كه با آن توان راه رفتن رانداشت، همچون فلج بودن.
- 14- اگر غذا در نزد شخص حاضر گرديده بود، و او گرسنه بود و به غذا ميل داشت.
- 15- اگر شخص براي سفر آمادگي مي گرفت.
- 16- اگر شخص از ضايع شدن مالش در صورت مشغول شدن به جماعت بيم داشت.
- 17- اگر شخص از به راه افتادن قطار يا پرواز كردن هواپيما در صورت مشغول شدن به جماعت بيم داشت.

شرطهاي صحت امامت

- براي صحت امامت شرط است كه امور آتي در امام فراهم بوده باشد:
- 1- اينكه امام مرد باشد، پس امامت زنان براي مردان صحيح نيست.
 - 2- اينكه امام مسلمان باشد، پس امامت كافر به هيچ حالي صحيح نيست.
 - 3- اينكه امام بالغ باشد، پس امامت كودك صحيح نيست.
 - 4- اينكه امام عاقل باشد، پس امامت ديوانه صحيح نيست.
 - 5- اينكه امام بر قرائتي كه براي صحت نماز لازم است قادر باشد، پس امامت و پيشنمازي فرد عامي و بيسوادي كه قادر بر قرائت نيست براي كسي كه خود به

قرائت آشنا است صحیح نیست.

6- اینکه امام فاقد شرطی از شرطهای نماز- همچون طهارت و پوشیدن عورت نباشد.

7- اینکه امام از عذرهای سالم باشد، همچون خونریزی دائم بینی، و سلسل البول (خروج بی اختیار پیشاب)، و نفلات الریح (خروج بی اختیار باد شکم از وی).

8- اینکه امام صحیح اللسان بوده و زبانی الکن نداشته باشد، به گونه ای که حروف را بر وجه صحیح آن نطق و تلفظ نموده بتواند.

پس امامت شخصی که «راء» را -مثلاً- به «غین» تبدیل می کند، یا «لام» و «سین» را مثلاً به «ثاء»؛ برای شخصی که بر نطق کردن به حروف بر وجه صحیح آن قادر است، صحیح نیست.

چه کسی در امامت حق تقدم دارد؟

سلطان (خلیفه، رئیس جمهور، حاکم) و نایب آن سزاوارتر به امامت هستند. امام موظف در يك مسجد سزاوارتر به امامت در همان مسجد بخصوص است. صاحب منزل سزاوارتر به امامت است؛ اگر چنانچه صلاحیت امامت را داشت، و جماعت در منزل وی بر پا می گردید.

پس اگر در میان حاضران؛ سلطان، یا نایب آن، یا امام موظف در محل، یا صاحب منزل نبود، در این صورت سزاوارترین مردم به امامت؛ داناترین ایشان است به احکام نماز از روی صحت و فساد. پس از آن حق تقدم با پرهیزگارترین ایشان است. و سپس بزرگترین ایشان.

پس اگر در علم و حفظ قرآن و پرهیزگاری و سن با هم برابر بودند؛ کسی به ایشان نماز بگزارد که قوم (مقتدیان اهل محل) او را انتخاب کرده اند. و اگر قوم (مقتدیان اهل محل) در این مورد اختلاف پیدا کردند؛ کسی به ایشان نماز بگزارد که او را اکثریت آنان انتخاب کرده باشند، و اگر اکثریت فردی را انتخاب کردند که سزاوارترین کس به این کار نبود، پس محققاً کار بدی کرده اند.

مواضع کراهیت در امامت و جماعت

1- مکروه است امامت فاسق.

- 2- مکروه است امامت شخص بدعتي.
- 3- مکروه است امامت نابینا، مگر در صورتی که آن نابینا بهترین فرد آن قومی باشد که جماعت را تشکیل داده اند، پس در این صورت امامت آن مکروه نیست.
- 4- مکروه است امامت جاهل به همراه وجود عالم، خواه آن فرد جاهل شخصی صحرانشین و بدوی باشد، یا شخصی شهرنشین.
- 5- مکروه است امامت کسی که مردم از او به جهت نقص و کمبودی که در وی وجود دارد؛ کراهت دارند.
- 6- مکروه است طولان تر خواندن نماز از مقدار سنت.
- 7- مکروه است جماعت کردن زنان به تنهایی، با این حال اگر زنان به جماعت نماز گزارند، امام در میانه ایشان بایستد.
- 8- مکروه است حضور زنان در جماعت در این زمانه، به جهت فراگیری و شیوع فتنه و فساد.

محل ایستادن مقتدی و ترتیب صفها

اگر چنانچه به همراه امام فقط یک نفر مقتدی بود، چه این مقتدی مردی بالغ باشد یا کودکی ممیز، پس این مقتدی به جانب راست امام- اندکی دنبال تر از او- بایستد. اگر به همراه امام دو مرد یا بیشتر از آن بودند، آنها پشت سر امام بایستند. و اگر مردان، زنان، کودکان، و افراد خنثی باهم جماعت کردند، در اول مردان صف ببندند، سپس کودکان، سپس خنثایان، و سپس زنان. لازم است تا بهترین قوم در صف اول بایستند تا اگر امام بی وضوء گردید، آنها اهلیت امامت را داشته باشند.

اگر در میان قوم جز يك تن كودك ديگر كودكي نبود، او هم در صف مردان در آید. اما اگر کودکان متعددی بودند، صفی در پشت صف مردان قرار داده شوند، و صفهای مردان با آنان کامل ساخته نشود.

اگر کسی به نماز آمد و امام را در حال رکوع یافت، پس اگر در صفها گشاده گئی ای بود او در خارج از صف تکبیر تحریمه نگوید، بلکه در صف بایستد و در آن تکبیر تحریمه بگوید، اگر چه که آن رکعت از او فوت می شد.

شرطهاي صحت اقتداء

- اقتداء کردن به امام با شرطهاي آتي صحت مي يابد:
- 1- اينکه مقتدي در هنگام گفتن تکبير تحریمه متابعت امام را نیت نماید.
 - 2- اينکه امام حد اقل به اندازه دو پاي خویش از مقتدي جلوتر باشد.
 - 3- اينکه امام در مرتبه پايين تر از مقتدي قرار نداشته باشد، پس اقتداء صحيح نمی شود اگر چنانچه امام نماز نافله را مي خواند و مقتدي نماز فرض را. اما اقتداء صحيح مي شود اگر چنانچه امام نماز فرض را مي خواند و مقتدي نماز نافله را.
 - 4- اينکه امام و مقتدي هر دو نماز فرض وقت واحدي را بگزارند، پس اقتداء صحيح نیست اگر چنانچه امام – مثلاً- نماز ظهر را مي خواند و مقتدي نماز عصر را، يا بالعکس.
 - 5- اينکه در میان امام و مقتدي صفي از زنان نباشد.
 - 6- اينکه در میان امام و مقتدي رود خانه جدا سازنده اي که در آن قايق عبور مي کند فاصله نباشد.
 - 7- اينکه در بين امام و مقتدي راهي نباشد که در آن ماشين يا گاري عبور مي کند.
 - 8- اينکه در بين امام و مقتدي چيزي نباشد که به سبب آن انتقالات امام بر مقتدي پوشيده بماند، پس اگر انتقالات امام بر مقتدي با شنيدن از امام يا ديدن وي مشتبه و پوشيده نمی گرديد، اقتداء وي صحيح است.
- اقتداء کردن کسی که ایستاده نماز مي گزارد به امامي که نشسته نماز مي گزارد صحيح است.
- اقتداء کردن شخص راست قامت به امام کوژپشت صحيح است.
- اقتداء کردن شخصي که با اشاره نماز مي خواند به امامي که مانند وي به اشاره نماز مي خواند صحيح است.
- اگر نماز امام به سببي از اسباب فاسد گرديد، نماز مقتدي ها نیز فاسد مي شود، و بر امام واجب است که نماز خویش را عود نموده و فساد نماز خویش را اعلان نماید تا مقتدي ها نیز نمازهاي شان را عود کنند.

چه وقت مقتدي از امامش پیروي کند و چه وقت از وي پیروي نکند؟

اگر امام قبل از مقتدي از تشهد فارغ شود براي رکعت سوم برخواست، مقتدي در ایستادن او را پیروي ننموده بلکه تشهد خویش را تکمیل نماید، و سپس برخيزد. اگر امام قبل از آنکه مقتدي از تشهد فارغ شود سلام داد، مقتدي از وي پیروي

ننماید، بلکه تشهد را تکمیل نموده آنگاه سلام دهد.

اگر امام سجده ای را زیاد نمود، مقتدی او را در سجده افزوده شده پیروی ننماید.

اگر امام بعد از قعدة اخیر سهواً ایستاد، مقتدی او را در ایستادن پیروی ننماید.

اگر امام رکعت افزوده شده را با سجده ای مقید و همراه ساخت، مقتدی خود به تنهایی سلام دهد.

اگر امام قبل از قعدة اخیر سهواً ایستاد، پس مقتدی او را پیروی ننموده بلکه تسبیح بگوید تا امام را متوجه سهوش بسازد، و آنگاه بازگشت وی را به قعدة انتظار بکشد.

پس اگر امام رکعت افزوده شده را با سجده ای مقید و همراه نمود، مقتدی خود به تنهایی سلام بدهد، و اگر مقتدی قبل از آنکه امام رکعت افزوده شده را به سجده مقید سازد؛ سلام داد، فرض آن باطل شده است.

اگر امام قبل از آنکه مقتدی تسبیحات سه گانه اش را تکمیل نماید، سرش را از رکوع یا سجده بلند کرد، مقتدی باید از او پیروی نموده و تسبیح راترك کند.

برای مقتدی، سلام دادن قبل از امام خویش مکروه است.

پس اگر مقتدی قبل از آنکه امامش از تشهد فارغ شود سلام داد، نمازش فاسد شده است.

احکام ستره

رسول خدا ص فرموده است: «اذا صلي احدكم فليصل الي ستره، وليدن منها- هر گاه یکی از شما نماز می خواند، پس باید نماز بخواند بسوی ستره ای، و باید به آن ستره نزدیک شود». (به روایت ابو داؤد).

ستره چیزی است که نماز گزار آنرا جلو خویش می نهد- اعم از چوبی یا غیر آن- تا اینکه نمازش را عبور گذرنده ای از جلو آن مختل نگرداند.

برای امام مستحب است که در جلو خویش ستره ای را قرار دهد، اگر چنانچه در مکانی بود که عبور و مرور در آن بسیار انجام می گرفت.

مقتدی نیازی به گرفتن ستره ندارد، زیرا ستره امام ستره مقتدی نیز هست.

و برای نماز گزار مستحب است که نزدیک به ستره بایستد.

و مستحب است که نماز گزار از جانب راست یا چپ ستره بایستد، و روبروی آن قرار نگیرد.

و شرط در ستره این است که به درازای يك گز یا بلند تر از آن باشد.

و نیز شرط است که ستره به درشتی انگشت یا ضخیم تر از آن باشد.

احكام عبور از جلوي روي نمازگزار

عبور از جلوي روي نمازگزار از موضع هر دو پا تا جاي سجده آن جواز ندارد، اگر چنانچه نمازگزار در مسجد بزرگي نماز مي خواند. همچنين عبور كردن از جلوي روي نمازگزار از جاي هر دو پا تا جاي سجده آن جواز ندارد، اگر چنانچه نمازگزار در ميداني باز نماز مي خواند. و عبور كردن از جلوي روي نمازگزار از جاي هر دو پاي آن تا ديوار قبله جواز ندارد، اگر چنانچه نمازگزار در مسجدي كوچك، يا در خانه اي كوچك نماز مي خواند. و همچنين براي نمازگزار جواز ندارد كه نماز خویش را در معرض عبور مردم از جلوي روي خویش قرار دهد، مثل اينكه بدون ستره در مكاني نماز بخواند كه در آن عبور و مرور بسيار انجام مي گيرد. اگر كسي از جلوي روي نمازگزار عبور كرد، براي نمازگزار جائز است كه عبور كننده را با اشاره، يا با تسبيح گفتن دفع نمايد. همچنين براي نمازگزار جائز است كه عبور كننده را با بلند كردن صدای خویش به قرائت دفع نمايد. و براي نمازگزار سزاوار نيست كه عبور كننده را با دستان خویش دفع كند. وزن؛ عبور كننده را با اشاره، يا با كف زدن دفع كند، ولي جهت دفع كردن عبور كننده صدای خویش را به قرائت بلند نگرداند.

چه وقت قطع كردن نماز واجب و چه وقت جايز است؟

براي نماز گزار جايز نيست كه نماز خویش را بعد از شروع كردن در آن بدون عذري شرعي قطع كند. براي نماز گزار جايز نيست كه نماز خویش را قطع كند، اگر چنانچه پدر يا مادرش او را صدا زدند. بر نمازگزار واجب است كه نماز خویش را قطع كند، اگر نابينايي راديد كه در شرف افتادن به چاه يا به گودالي است و ترسيد كه اگر او را راهنمائي نكند در چاه يا گودال مي افتد. بر نمازگزار واجب است كه نماز خویش را قطع كند اگر مظلومي او را به فریاد رسي خواند و او هم بر دفع كردن ظلم از آن قادر بود.

و براي نمازگزار جايز است كه نماز خویش را قطع كند دزدی را دید كه مالی را كه مساوی با يك درهم () است می دزدد، خواه آن مال خود وی بود یا از دیگری. و براي مسافر جواز دارد كه نماز خویش را به تأخیر اندازد اگر چنانچه از دزدان می ترسید.

نماز وتر

رسول خدا ص فرموده است: «الوتر حق، فمن لم یوتر فلیس منا- وتر حق است، پس کسی كه وتر را نگذارد از مانیست». (به روایت ابو داؤد) نماز وتر واجب است.

اگر نماز وتر را فراموشی یا به قصد ترك كرد، قضاء آوردن آن بروی واجب است. نماز وتر سه ركعت با يك سلام دادن.

نماز وتر بعد از فراغت از سنت عشاء خوانده می شود.

جواز ندارد كه شخص به همراه داشتن قدرت بر ایستادن نماز وتر رانشسته بخواند. همچنین جواز ندارد كه نماز وتر را سوار بر مركب بخواند، مگر اینکه دارای عذری باشد.

واجب است كه نمازگزار در هر ركعتی از نماز وتر فاتحه و سوره ای را بخواند، چنانكه در نوافل انجام می دهد.

بعد از خواندن دو ركعت از وتر برای تشهد بنشیند. و در قعدة اول بر تشهد نیفزاید.

وقتی به سوي ركعت سوم بر خواست نه ثناء ((سبحانك اللهم)) را بخواند و نه (اعوذ بالله...) را.

وچون از قرائت سوره در ركعت سوم فارغ شد، بر او واجب است كه دستهای خویش را به برابر هر دو گوش خویش بالا برده و تكبیر بگوید، چنانكه در هنگام افتتاح نماز چنین می كند، سپس قبل از ركوع در حالی كه ایستاده است قنوت را بخواند.

قنوت () واجب است در وتر، در تمام سال.

هر يك از امام، مقتدی، و منفرد (تنهاگزار) آهسته قنوت را بخوانند.

سنت است كه در قنوت دعایی را بخواند كه از حضرت عبدالله ابن مسعود رض نقل شده است، و آن دعاء این است:

«اللهم انا نستعینك، و نستغفرك، و نؤمن بك، و نتوكل عليك، و نثني عليك الخیر، و نشكرک، و لا نكفرک، و نخلع، و نترك من یفجرک. اللهم ایاك نعبد، و لك نصلي، و نسجد، و الیک نسعی، و نحفد، و نرجوا رحمتك، و نخشی عذابك، ان عذابك بالكفار

ملحق» ().

هر کس که بر خواندن قنوت مأثوره قدرت ندارد، این دعا را بخواند: «ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة و قنا عذاب النار». ().

یا بگوید «اللهم اغفر لي» () سه بار.

یا بگوید «یارب» () سه بار.

اگر نمازگزار خواندن قنوت را فراموش کرد و آن را در حالت رکوع به یاد آورد، در رکوع قنوت نخواند.

و جهت خواندن قنوت به سوي قیام نیز بر نگردد، بلکه بعد از سلام سجده سهو انجام دهد، زیرا او واجبی را به فراموشی ترك نموده است.

و همچنین اگر قنوت را بعد از بالا بردن سر خویش از رکوع به یاد آورد، قنوت نخواند، بلکه بعد از سلام سجده سهو انجام دهد.

اگر قنوت را بعد از ایستادن از رکوع خواند، رکوع را عود نکند و لیکن سجده سهو انجام دهد، زیرا او قنوت را از محل آن به تأخیر افکنده است.

اگر امام قبل از فراغت مقتدی از خواندن قنوت به رکوع رفت مقتدی از وی پیروی نکند، بلکه قنوت را تکمیل نموده سپس با وی در رکوع مشارکت نماید.

اما اگر از فوت شدن رکوع به همراه امام بیم داشت، از امامش پیروی نموده و قنوت را ترك کند.

اگر امام قنوت را ترك کرد، مقتدی قنوت را بخواند، در صورتی که برای وی امکان داشت تا با امام در رکوع مشارکت نماید.

و اگر از فوت شدن رکوع به همراه امام بیم داشت، از امامش پیروی نموده و قنوت را ترك نماید.

قنوت را در غیر نماز وتر نخواند مگر در نوازل ().

خواندن قنوت نوازل برای امام مسنون است، بعد از بالا نمودن سر از رکوع، نه برای منفرد (تنهاگزار).

برای امام لازم است تا در نوازل این قنوت را بخواند، و او می تواند که آنچه را به سنت ثابت شده است بر آن بیفزاید:

«اللهم اهدنا بفضلك في من هديت، و عافنا في من عافيت، و تولنا في من توليت، و

بارك لنا في ما اعطيت، و قنا شر ما قضيت، فانك تقضي و لا يقضي عليك انه لا

يضل من واليت، و لا يعز من عاديت، تباركت ربنا و تعاليت، و صلي الله علي سيدنا

محمد، و آله، و صحبه وسلم» ().

برگزاری نماز وتر با جماعت در رمضان بهتر از ادای آن به تنهایی در آخر شب است.

و جماعت وتر در غیر رمضان مکروه است.

نمازهاي سنت

عبارت اند از نمازهايي که رسول خدا (ص) آنها را افزون بر آنچه که خدای متعال فرض کرده است می خواندند، تا به وسیله آنها به خدای سبحان تقرب جویند، و آن حضرت (ص) بر بعضی از این نمازها مداومت و مواظبت می کردند، و بعضی از آنها را احیاناً ترک می نمودند.

پس نمازهايي که رسول خدا ص بر آنها مواظبت نموده اند، سنتهاي مؤکده نامیده می شوند.

و نماز هايي که احیاناً آنها را خوانده اند، و گاهی هم آنها را ترک نموده اند به نام سنتهاي غیر مؤکده، یا (مندوب = مستحب) نامیده می شوند.

سنتهاي مؤکده

- 1- دو رکعت قبل از فرض بامداد.
- 2- چهار رکعت با يك سلام قبل از فرض ظهر.
- 3- دو رکعت بعد از فرض ظهر.
- 4- دو رکعت بعد از فرض مغرب.
- 5- دو رکعت بعد از فرض عشاء.
- 6- چهار رکعت با يك سلام قبل از فرض جمعه.
- 7- چهار رکعت با يك سلام بعد از فرض جمعه ().

سنتهاي غير مؤکده

عبارت اند از:

- 1- چهار رکعت قبل از فرض عصر.
 - 2- شش رکعت بعد از نماز مغرب.
 - 3- چهار رکعت قبل از فرض عشاء.
 - 4- چهار رکعت بعد از نماز عشاء.
- نمازهاي سنت همچون نمازهاي فرض خوانده می شوند، مگر اینکه در هر رکعت

از رکعت‌های نفل () به همراه سوره فاتحه سوره ای دیگر نیز ضمیمه می‌گردد (). اگر نماز نافله ای را بیشتر از دو رکعت خواند، و جز در آخر آن به قعدہ ننشست، نفل آن صحیح است- به همراه کراهیت.

مکروه است اینکه بیشتر از چهار رکعت نفل در روز بایک سلام، خوانده شود. مکروه است اینکه در شب بیشتر از هشت رکعت نفل بایک سلام، خوانده شود. بهتر در نزد امام ابو حنیفه رحمه الله این است که چهار رکعت از نوافل با یک سلام خوانده شود، هم در شب و هم در روز.

اما بهتر در نزد امام ابو یوسف رحمه الله و امام محمد رحمه الله این است که نمازهای نوافل در شب دودو رکعت و در روز چهار رکعت خوانده شود. طولانی ساختن قیام و قرائت، بهتر از بسیار ساختن رکعت‌های نافله است. نافله گزاردن در شب بهتر از نافله گزاردن در روز است.

نماز های مستحب، و شب زنده داری

برای کسی که به مسجد در آمده است مستحب است اینکه قبل از نشستن در آن دو رکعت نماز بگزارد، و این نماز به نام نماز تحیة مسجد نامیده می‌شود. و اگر بعد از نشستن هم دو رکعت گزارد باکی نیست. و اگر بدنبال در آمدن به مسجد نماز فرض را خواند، یا نماز دیگری را خواند، و به آن نیت تحیة مسجد رانکرد، این نماز جای تحیة مسجد را از جانب وی می‌گیرد، و کافی است.

و گزاردن دو رکعت بعد از وضوء، قبل از خشک شدن آب از اعضاء مستحب است، و این نماز؛ تحیة و وضوء نامیده می‌شود.

و گزاردن چهار رکعت در وقت چاشت مستحب است، و هر چه می‌خواهد تا دوازده رکعت بر آن بیفزاید، و این نماز؛ نماز ضحی نامیده می‌شود.

و مستحب است نماز استخاره، و آن دو رکعت است.

و مستحب است نماز حاجت، و آن دو رکعت است.

و مستحب است زنده داشتن شبهای دهة اخیر از رمضان.

و مستحب است زنده داشتن دو شب عید فطر و عید اضحی.

و مستحب است زنده داشتن ده شب اول ماه ذی الحجه.

و مستحب است زنده داشتن شب نیمه شعبان.

مکروه است اجتماع نمودن برای زنده داشتن شبی از این شبها، اگر چنانچه اجتماع بر اثر دعوت و فراخوانی از همدیگر بود ().

اما اگر این اجتماع بدون دعوت و فراخوانی بود، پس باکی به آن نیست.

جدول نمازها

نمازها	
سنت موکده قبلي	
سنت غير موکده قبلي	
فرض	
سنت موکده بعدي	
واجب	
ملاحظات	
صبح	
2	
.	
2	
.	
.	
ظهر	
4	
.	
4	
2	
.	
در سفر فرض دورکعت است	
عصر	
.	
.	
4	
2	
.	
= =	
مغرب	

.
. .
3
2
.

عشاء

.
4
4
2

3-وتر

در سفر دو رکعت است

جمعه

4

.
2

2+4

.
خطبه قبل از نماز است

عیدین

.
. .
. .
. .

دو رکعت در هر کدام آنها

خطبه بعد از آنهاست

تراویح

.
. .
. .

20

.
در رمضان قبل از وتر است

نماز نشسته

فرض به طور نشسته- به همراه داشتن قدرت بر ایستادن- صحیح نیست.
و واجب به طور نشسته- به همراه داشتن قدرت بر ایستادن- صحیح نیست.
و نفل به طور نشسته- به همراه داشتن قدرت بر ایستادن- صحیح است.
هر کس نفل را بدون عذر نشسته خواند، پس برای او نصف مزد شخص ایستاده است.

و هر کس نماز را با داشتن عذری نشسته خواند، پس برای او مانند مزد شخص ایستاده است.

کسی که نشسته نماز می خواند، پس باید مانند نشستن خویش برای تشهد، بنشیند.
اگر نفل را ایستاده افتتاح کرد، برای او جواز دارد که آن را نشسته تکمیل نماید، بدون کراهت.

نماز بالای مرکب

نماز فرض بر پشت مرکب صحیح نیست.
و نماز واجب بر پشت مرکب صحیح نیست.
بنا بر این نماز وتر، و نماز نذر، و قضاء آوردن نماز نافله ای که آن را بعد از شروع کردن در آن فاسد گردانیده است، بر پشت مرکب جائز نیست.
اگر نمازگزار دارای عذری بود، مانند اینکه در صورت فرود آمدن از مرکب بر زمین از دشمنی می ترسید. یا آن مکان گل آلود بود. پس در همه این صورتهای نماز خواندن وی بر بالای مرکب صحیح است، خواه نماز وی نماز فرض باشد یا نماز

واجب، و همچنین اگر کسی را نمی یافت که او را بر مرکب سوار کند، و او خود هم به تنهایی توانایی سوار شدن بر آنرا داشت، نماز فرض و واجب وی بر بالای مرکب صحیح است.

گزاردن سنتهایی مؤکده بر بالای مرکب جواز دارد، مگر او باید برای گزاردن سنت با مداد فرود آید، زیرا سنت با مداد از غیر خود مؤکد تر است. اگر در خارج از شهر بر بالای مرکب نماز می خواند، به هر جهتی که مرکب وی روی آورد، با اشاره نماز بگزارد.

نماز در کشتی

خواندن نماز فرض بر کشتی روان و در حال حرکت، به طور نشسته بدون عذر - در نزد امام ابو حنیفه رحمه الله صحیح است.

و نماز فرض بر کشتی روان و در حال حرکت - در نزد دو امام؛ ابو یوسف و محمد (رحمهما لله) - بدون عذر صحیح نیست.

نماز در کشتی با اشاره صحیح نمی شود، برای کسی که بر رکوع کردن و سجده کردن قادر است.

اگر کشتی به ساحل و لنگرگاه بسته بود، در آن نماز خواند به طور نشسته به همراه داشتن قدرت بر ایستادن جواز ندارد.

اگر شخص بر بیرون شدن از کشتی قادر نبود، نماز وی در کشتی جواز دارد. خواه کشتی به لنگرگاه بسته بود یا روان.

نماز در قطار و هواپیما

گزاردن نماز فرض و واجب در قطار در حال حرکت، و هواپیمایی در حال پرواز، نشسته بدون داشتن عذر - بر مذهب امام ابو حنیفه رحمه الله - صحیح است.

و گزاردن نماز فرض و واجب در قطار در حال حرکت و هواپیمایی در حال پرواز، نشسته بدون داشتن عذر - در نزد اکثر ائمه - صحیح نیست، مگر در صورتی که

شخص دارای عذری - مثلاً - همچون دوران سر باشد.

همچنین اگر چنانچه قطار در حال حرکت شدیدی است، بگونه ای که ایستادن بر آن دشوار است، نماز به طور ایستاده در میان دو صندلی قطار نماز خواند، و بر یکی از آن دو صندلی سجده کرد، نماز وی صحیح است اگر چنانچه امکان سجده کردن

برای وی بر کف قطار وجود نداشت.
اما اگر قطار ایستاده بود، پس در نزد تمام ائمه، نماز نشسته بدون عذر در آن جواز ندارد.
همچنین اگر هواپیما بر زمین ایستاد بود، بدون داشتن عذری نماز به طور نشسته در آن جواز ندارد.
اگر در قطار یا هواپیما رو به سوی قبله به نماز خویش شروع کرد، سپس قطار یا هواپیما به سوی جهت دیگری متحول گردید، او نیز به سوی قبله دور زند- اگر چنانچه بر دور زدن قادر بود.
و اگر بر دور زدن قادر نبود، یا به دور زدن قطار یا هواپیما آگاه نگردید، نماز آن جایز است.

نماز تراویح

رسول خدا ص فرموده است: «من قام رمضان ایماناً و احتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه- هر کس رمضان را از روی ایمان و به قصد قربت الی الله ایستاد، آمرزیده می شود، برای وی آنچه که گذشته است از گناهان وی».
(به روایت بخاری و مسلم)
نماز تراویح سنت عینی مؤکده ای است، هم بر مردان و هم بر زنان.
نماز تراویح همراه با جماعت، سنت کفایه است برای اهل محله ().
نماز تراویح بیست رکعت است باده سلام.
وقت تراویح بعد از نماز عشاء است تا طلوع بامداد.
مقدم ساختن نماز تراویح بر نماز وتر مستحب است.
و مقدم ساختن نماز وتر بر نماز تراویح صحیح است، لیکن مقدم ساختن تراویح بر وتر بهتر و سزاوارتر می باشد.
به تأخیر انداختن نماز تراویح تا ثلث (یک سوم) شب مستحب است، و همچنین تا نیمه شب.
و به تأخیر انداختن تراویح تا بعد از نیمه شب مکروه نیست.
نشستن بعد از هر چهار رکعت، به اندازه چهار رکعت، برای استراحت مستحب است.
و همچنین نشستن بین تراویح پنجم و نماز وتر مستحب است.
یکبار قرائت تمام قرآن کریم در نماز تراویح در ماه رمضان سنت است.
پس قرائت تمام قرآن کریم به جهت کسالت و تنبلی قوم، در رمضان ترک کرده نشود.

و درود خواندن بر رسول خدا ص در هر تشهد در نماز تراویح ترك کرده نشود، اگر چه قوم ملول و خسته شوند.
همچنین ثناء ((سبحانك اللهم))، و تسبیحات رکوع، و تسبیحات سجده ترك کرده نشود، اگر چه قوم ملول و خسته شوند.
و دعاء بعد از درود بر رسول خدا ص، ترك کرده شود اگر چنانچه قوم به آن ملول می شدند، و لیکن بهتر آن است که جهت به جاي آوردن سنت دعاء کوتاهی خوانده شود.
نماز تراویح قضاء آورده نمی شود، نه به جماعت و نه به تنهایی.

نماز مسافر

خدای متعال فرموده است: ((و اذا ضربتم في الارض فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلاة - و چون در زمین سفر کردید پس بر شما گناهی نیست که نماز را کوتاه سازید)). (سورة نساء- 101)
و بخاری و مسلم از انس رض روایت کرده اند که فرمود: «با رسول خدا ص از مدینه به سوی مکه بیرون آمدیم، پس آن حضرت دو دو رکعت نماز می گزاردند تا آنکه به مدینه باز گشتیم».
کمترین مسافت سفری که در آن کوتاه کردن نماز واجب است، و خوردن روزه رمضان در آن رخصت است؛ همانا سفری است که مسافت آن سه روز از کوتاه ترین روزهای سال با سیر متوسط بوده باشد، و سیر متوسط؛ پیاده رفتن، و راه پیمودن شتر است.
هر کس مسافت سه روز را مثلاً در يك ساعت بر مرکب سریع السیری چون قطار و هواپیما پیمود، کوتاه کردن نماز بر او واجب است.
کوتاه کردن نماز بر مسافر واجب است.
هر کس نماز خود را در سفر تمام خواند پس محققاً کار بدی کرده است.
مسافر نمازها را در فرض ظهر، و عصر، و عشاء کوتاه گرداند.
پس فرض را در این اوقات بجای چهار رکعت، دو دو رکعت بخواند.
اما در نماز بامداد و نماز مغرب، نماز را کوتاه نگرداند.

شرطهای صحت نیت سفر

براي صحت نیت سفر سه چیز شرط است:

- 1- اینکه شخصی که نیت سفر را کرده است بالغ باشد.
پس اگر او کودکی نابالغ بود، کوتاه کردن نماز بر وی واجب نیست.
- 2- اینکه شخصی که نیت سفر را کرده است، در سفر خویش مستقل باشد.
پس کوتاه کردن نماز واجب نیست اگر چنانچه شخص تابع کسی بود که او نیت کننده سفر نبود.
بناءً نیت کردن زن در سفر به همراه شوهر اعتباری ندارد، اگر چنانچه شوهر وی نیت سفر نکرده بود، زیرا زن تابع شوهر خویش است.
ونیت سفر کردن خدمتکار اعتبار ندارد، اگر چنانچه مولای او نیت سفر را نکرده بود، زیرا خدمتکار تابع رئیس و مولایش می باشد.
همچنین نیت سفر کردن سپاهی اعتباری ندارد، اگر چنانچه فرمانده وی نیت سفر نکرده بود، زیرا سرباز تابع فرمانده خویش است.
- 3- اینکه مسافت سفر () با سیر پیاده، کمتر از سه روز نباشد.

چه وقت کوتاه کردن نماز را شروع نماید؟

کوتاه کردن نماز جواز ندارد مگر آنگاه که شخص مسافر از قریه بیرون شود و از آبادی های آن بگذرد.
و نیز کوتاه کردن نماز جواز ندارد مگر آنگاه که شخص مسافر از شهر بیرون رود و از فناء آن بگذرد ().
پس کوتاه کردن نماز به مجرد نیت کردن سفر جواز ندارد؛ اگر چنانچه شخص از شهر یا قریه خارج نگردید.
همچنین کوتاه کردن نماز جواز ندارد اگر چنانچه شخص از خانه اش بیرون آمد و لیکن از فناء شهر یا آبادی های قریه نگذشت.
کوتاه کردن نماز در هر سفری جواز دارد، چه آن سفر، سفر طاعت بوده باشد همچون حج و جهاد، یا برای امر مباحی باشد همچون تجارت، یا برای امری که در آن معصیت است، همچون دزدی.
اگر مسافر نماز چهار رکعتی را کامل خواند و بعد از دو رکعت اول به قعدہ نشست نماز وی صحیح است، و دو رکعت اخیر نفل می گردد، و لیکن این نماز مکروه می باشد، به جهت آنکه نماز گزار سلام را از محل آن به تأخیر انداخته است.
اگر مسافر نماز چهار رکعتی را کامل خواند و بعد از دو رکعت اول به اندازه تشهد نشست نماز وی صحیح نیست، زیرا نزد ما کوتاه کردن نماز در سفر حتمی است

ورخصت نمی باشد.

مدت کوتاه کردن نماز

مسافر باید پیوسته فرض خویش را کوتاه گرداند تا آنگاه که از سفر باز می گردد و به شهر خویش داخل می شود.
و کوتاه کردن نماز ساقط می شود اگر چنانچه شخص برای مدت پانزده روز یا بیشتر از آن در قریه یا شهری نیت اقامت را نمود.
پس اگر نیت را برای مدت کمتر از پانزده روز کرد، باید همچنان فرض خویش را کوتاه گرداند.
همچنین اگر نیت اقامت را نکرد و سالها بدون نیت اقامت در سفر باقی ماند، نماز را کوتاه گرداند.
همچنین اگر نیت اقامت را نکرد و سالها بدون نیت اقامت در سفر باقی ماند، نماز را کوتاه گرداند.

اقتداء کردن مسافر به مقیم و عکس آن

اقتداء کردن مسافر به مقیم جواز دارد، و در این صورت مسافر به پیروی از امامش نماز خویش را به طور کامل- چهار رکعتی - بخواند.
و اقتداء کردن مقیم به مسافر نیز جواز دارد.
اگر مسافر در مقام امامت به اشخاص مقیم نماز گزارد؛ برای وی لازم است تا بعد از سلام دادن بگوید: «نماز خویش را تمام کنید، زیرا من مسافر هستم».
و بهتر این است که این جمله را هم قبل از شروع کردن در نماز و هم بعد از فارغ شدن از آن، دوبار بگوید.
آنگاه که شخص مقیم بعد از سلام دادن امام مسافر خویش برای تمام کردن نمازش بر خواست، قرائت نخواند، بلکه نمازش را بدون قرائت تمام کند- مانند شخص لاحق.
اگر نماز چهار رکعتی را در سفر فوت کرد، باید دو رکعت قضاء آورد، چه آن را در سفر قضاء آورد یا در حضر.

اقسام وطن و احکام آن

وطن اصلي، با وطن اصلي، باطل مي شود.
پس اگر شخص وطن اصلي خویش را ترك کرد و از آن به سوي سرزميني ديگر منتقل گرديد و در آن توطن گزید، سپس- به جهت امري از امور- به سوي وطن اول خویش باز گشت، در آن نماز خویش را کوتاه گرداند، زیرا که آنجا ديگر اکنون وطن اصلي او نيست.
وطن اقامت، با وطن اقامت ديگر باطل مي شود.
و وطن اقامت با سفر کردن از آن باطل مي شود.
و وطن اصلي: همانا جايي است که شخص در آن متوطن گرديده است، خواه در آن ازدواج نموده باشد يا ازدواج ننموده باشد.
وطن اقامت: همانا جايي است که شخص در آن براي مدت پانزده روز يا بيشتر نيت اقامت کرده است.

نماز مريض

خداي متعال فرموده است: ((لا يكلف الله نفساً الا وسعها- مكلف نمي گرداند خداوند هيچ نفي را مگر به اندازه توان آن)). (سورة بقره- 286)
و رسول خدا ص براي عمران بن حصين فرمود: «صل قائماً، فان لم تستطع فقاعداً، فان لم تستطع فعلي الجنب تؤمي ايماءً- ايستاده نماز بگزار، پس اگر نتوانستي نشسته، و اگر نتوانستي به پهلو، اشاره مي کنی به اشاره کردني». (به روايت ابو داؤد)

ترك کردن نماز- حتي در حال بيماري - جواز ندارد.
و هر کس چنان بيمار بود که توانايي اداء نمودن ارکان نماز را به تاممي آن نداشت، پس همان ارکاني را اداء نمايد که بر ادائي آن ها قادر است.
بناءً بيماري که ايستاده نماز خوانده نمي تواند، نشسته با رکوع و سجده نماز بخواند.
و بيماري که ايستادن براي آن- بخاطر دردي- سخت دشوار است، نشسته با رکوع و سجده نماز بخواند.

همچنين نشسته نماز بخواند اگر چنانچه از بروز مرض، يا ازدياد مرضي، يا به تأخير افتادن شفاء در صورت نمازگزاردن بطور ايستاده، بيم داشت.
همچنين نشسته نماز بخواند اگر چنانچه از رکوع کردن و سجده کردن يا از يکي از

آنها عاجز بود، و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید.
هر کس با اشاره رکوع و سجده می کند، اشاره خود برای سجده را پایین تر از اشاره خود برای رکوع قرار دهد.
اگر اشاره خود برای سجده پایین تر از اشاره برای رکوع قرار نداد، نماز وی صحیح نمی شود.

و جواز ندارد اینکه چیزی بسوی روی خود بالا نموده و بر آن سجده نماید. اگر شخص بیمار از نشستن عاجز گردید، افتاده بر پشت نماز بگزارد در حالی که پاهای آن بسوی قبله است، و هر دو زانوی خود را بالا نماید و سر خویش را بر بالشی بلند کند تا روی آن به سوی قبله گردد، و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید. همچنین- اگر از نشستن عاجز گردید- جواز دارد که بر پهلوئی خویش نماز بگزارد، و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید.

اشاره فقط در صورتی جانشین و نائب رکوع و سجده می گردد که با سر بوده باشد. اما اگر چنانچه اشاره با چشم، یا با ابرو، یا باقلب بود؛ پس نماز آن صحیح نیست. اگر شخص مریض از نماز گزاردن با اشاره سر عاجز گردید، اداء نماز از وی به مدت يك شبانه روز به تأخیر می افتد، پس آن را بعد از آن که بر قضاء آوردن قادر گردید قضاء آورد، و آنچه که بر يك شبانه روز افزون گردید از وی ساقط است. کسی که بر وی جنون یا بیهوشی عارض گردید و این بیهوشی و جنون تا بیشتر از پنج نماز ادامه یافت، این نمازها از ذمه وی ساقط است. کسی که بر وی جنون یا بیهوشی عارض گردید و این بیهوشی یا جنون تا پنج نماز یا کمتر از آن ادامه پیدا کرد، بعد از آنکه به هوش آمد، این نمازهای خویش را قضاء آورد.

هر کس نماز خویش را ایستاده افتتاح کرد، سپس از ایستادن عاجز گردید، نشسته نماز بخواند- اگر چنانچه بر نشستن قادر بود، و اگر بر نشستن قادر نبود افتاده بر پشت با اشاره نماز بخواند.

قضاء آوردن نمازهای فوت شده

خدای متعال فرموده است: ((ان الصلوة كانت علي المؤمنین کتاباً موقوتاً_ به تحقیق که نماز بر مؤمنان فریضه زمانداری است)). (سورة نساء- 103)
واجب است ادای نمازها در اوقات آنها.
و تأخیر نماز از وقت بدون عذر جواز ندارد.
هر کس بروی عذری نماز را از وقت آن به تأخیر انداخت، قضاء آوردن آن بر او، بعد از بر طرف شدن آن عذر لازم است.

قضاء آوردن فرض، فرض است.
و قضاء آوردن واجب، واجب است.
و سنتها و نوافل قضاء آورده نمی شوند مگر آنگاه که بعد از شروع کردن در آنها فاسد ساخته شده باشند، که در این صورت قضاء آوردن آنها واجب است.
اگر سنت بامداد به همراه فرض آن از شخص فوت شد، آنرا همراه با فرض تا پیش از وقت زوال قضاء آورد.

و اگر سنت با مداد به تنهایی از وی فوت شد، آنرا قضاء نیاورد.
رعایت ترتیب در میان نماز وقتی و نماز فوت شده واجب است.
پس ادای نماز وقتی قبل از قضاء آوردن نماز فوتی جواز ندارد.
همچنین رعایت ترتیب در میان نمازهای فوتی با یکدیگر واجب است، بناءً قضاء آوردن نماز فوتی ظهر قبل از قضاء آوردن نماز فوتی صبح- مثلاً- جواز ندارد.
همچنین رعایت ترتیب در میان فرائض و وتر واجب است.
پس ادای نماز صبح قبل از قضاء آوردن نماز فوت شده و وتر جواز ندارد.
رعایت ترتیب در میان نمازهای فوت شده با همدیگر و در میان نمازهای فوتی و وقتی فقط آنگاه واجب است که نمازهای فوتی- به جز وتر- به شش نماز بالغ نگردند.

پس اگر چنانچه نماز فوتی شخص کمتر از شش نماز بود و او خواست تا آنها را قضاء آورد، بروی لازم است تا این نمازها را به ترتیب قضاء آورد، مثلاً- نماز صبح را قبل از نماز ظهر، و نماز ظهر را قبل از نماز عصر قضاء آورد.
و جوب ترتیب به یکی از این سه امر آتی ساقط می شود:
1- اگر نمازهای فوتی بجز وتر به شش نماز رسید.
2- اگر شخص به جهت تنگی وقت از فوت شدن نماز وقتی ترسید.
3- اگر فراموش کرد که بروی نماز فوتی ای است، پس به فراموشی نماز وقتی را خواند.

اگر چنانچه نماز ششم وتر بود، بروی واجب است که وتر را قبل از ادای نماز صبح قضاء آورد.

اگر ترتیب به جهت رسیدن نمازهای فوتی به شش نماز یا بیشتر از آن ساقط گردید، پس بعد از آنکه نمازهای فوتی به سوی قلت باز گردید ترتیب دوباره بر نمی گردد.
مثال آن این است که از شخصی ده نماز فوت گردیده است، پس آن شخص نه نماز از آنها را قضاء آورده و فقط يك نماز فوتی آن باقی مانده است، سپس قبل از آنکه آن نماز باقی مانده فوتی را قضاء آورد، نماز وقتی را در حالی گزارده که یاد آور آن نماز فوتی هم بوده است، پس در این صورت نماز وی جائز است، و صحت دارد، به جهت آنکه ترتیب از وی ساقط شده است.

اگر نماز وقتی را خواند در حالی که به یاد می آورد که بروی نماز فوتی ای است، فرض وی فاسد شده است، و لیکن این فساد موقوف است.

بناءً اگر قبل از قضاء آوردن آن نماز فوتی، پنج نماز را خواند در حالی که به یاد آورنده نماز فوتی هم بود، فساد با خارج شدن وقت نماز پنجم اداء کرده شده بر طرف گردیده است و نمازهای پنجگانه او از جای فرض صحیح گردیده است. و لیکن اگر آن نماز فوتی را قبل از خارج شدن وقت نماز پنجم اداء کرده شده قضاء آورد، فرض های آن باطل شده است و نمازهای وی همگی نفل گردیده است، پس بروی واجب است که این نمازهای پنجگانه ای را در هنگام قضاء آوردن تعیین نماید.

و لیکن اگر بر او تعیین کردن هر نمازی متعذر و دشوار بود، پس چنین نیت کند که او- مثلاً- اولین نماز ظهر فوتی خود، یا آخرین نماز ظهر فوتی خود را قضاء می آورد.

در یافتن فریضه با جماعت

اگر جماعت بعد از آن بر پاگردید که شخص منفرد (تنهاگزار) به نماز فرض شروع کرده اما هنوز سجده نکرده بود، پس نماز خویش را با يك سلام همانطور ایستاده قطع نماید، و به امام اقتداء کند.

اگر جماعت بعد از آن بر پاگردید که شخص منفرد به نماز فرض با مداد یا مغرب شروع کرده و سجده کرده بود، نماز خویش را قطع نموده و به امام اقتداء نماید. اگر جماعت بعد از آنکه او به فرض چهار رکعتی شروع کرده و يك رکعت را هم تمام کرده بود، بر پاگردید، رکعت دوم را ضمیمه آن کرده و سپس سلام دهد، و به نیت فرض به امام اقتداء نماید، و آن دو رکعتی را که به تنهایی خوانده است نافله می گردد.

اگر جماعت بعد از آن بر پاگردید که او سه رکعت از نماز چهار رکعتی را خوانده بود، پس چهار رکعت را تمام نموده آنگاه به نیت نفل به امام اقتداء نماید- در نمازهای ظهر و عشاء- اما در نماز عصر به نیت نفل به امام اقتداء ننماید. اگر جماعت بعد از آن بر پاگردید که او دو رکعت از نماز چهار رکعتی را خوانده بود و به رکعت سوم ایستاده بود و هنوز سجده نکرده بود، پس نماز خویش را ایستاده بایک سلام قطع نموده سپس به نیت فرض به امام اقتداء نماید.

اگر امام در روز جمعه برای خطبه خارج گردید، بعد از آنکه شخص به سنت جمعه شروع کرده بود، پس دو رکعت را تمام نموده و سلام دهد و بعد از فارغ شدن از فرض، سنت جمعه را چهار رکعت قضاء آورد.

اگر جماعت بعد از آن بر پاگردید که شخص به سنت ظهر شروع کرده بود، دو رکعت را تمام نموده و سلام دهد و به امام اقتداء نماید، و سنت را بعد از فرض

قضاء آورد.

اگر شخص بعد از آن به مسجد حاضر گردید که جماعت بر پاگردیده بود، به امام اقتداء کند و از نماز جماعت به سنت مشغول نگردد، مگر در نماز صبح. اگر بعد از آن به مسجد حاضر گردید که جماعت نماز با مداد بر پاگردیده بود، نماز سنت را در خارج از مسجد، یا در يك گوشه اي از مسجد بخواند، اگر چنانچه برگمان وي چنین غالب بود که او امام را در رکعت دوم در خواهد یافت. اگر از فوت شدن وقت، یا فوت شدن جماعت بیم داشت، پس نماز فرض را بخواند و سنت را ترك نماید.

هر کس امام خویش را در رکوع دریافت پس به تحقیق که این رکعت را دریافته است.

و اگر امام سرش را از رکوع بلند کرد، پس همانا این رکعت از وي فوت شده است. بیرون شدن از مسجد بعد از آنکه در آن اذان داده شده است مکروه است، تا آنگاه که در آن نماز بگزارد.

بیرون شدن از مسجد بعد از آنکه در آن اذان داده شده است مکروه است، تا آنگاه که در آن نماز بگزارد.

بیرون شدن از مسجد بعد از اذان در آن برای کسی که او در مسجد دیگری امام یا مؤذن است، مکروه نیست.

اگر جماعت ظهر یا عشاء بعد از آن برپا گردید که او نماز را به تنهایی خوانده بود، برای وي بیرون شدن از مسجد مکروه است، پس بر او لازم است که به همراه امام به نیت نفل نماز بخواند.

اگر جماعت با مداد، یا عصر، یا مغرب بعد از آن برپا گردید که او به تنهایی نماز خوانده بود، پس برای وي خارج شدن از مسجد مکروه نیست.

فدیة نماز و روزه

اگر مریض بر قضاء آوردن نمازهاي فوتي خود- ولو با اشاره- قادر گردید، و قبل از آنکه آنرا قضاء آورد و فات کرد، بر او واجب گردیده است تا ولي خویش را به پرداختن فدیة نمازهاي فوت شده وصیت نماید.

همچنین اگر مریض بر قضاء آوردن روزه هاي فوتي خویش قادر گردید، و قبل از آنکه آنرا قضاء آورد و فات کرد، پس بروي واجب گردیده است که ولي خویش را به پرداختن فدیة روزه فوت شده وصیت نماید.

همچنین اگر مریض قبل از آنکه نماز فوت شده وتر را قضاء آورد و فات کرد و او بر قضاء آوردن آن قادر بود، بروي واجب گردیده است که ولي خویش را به پرداختن

فديه وصيت نمايد.
 و ولي؛ فديه را از ثلث (يك سوم) ميراث بيرون گرداند.
 فديه نماز براي هر وقت: نصف صاع از گندم يا قيمت آن است، يا يك صاع () از جو يا قيمت آن.
 فديه روزه هر روز: نصف صاع از گندم يا قيمت آن، يا يك صاع از جو يا قيمت آن است.
 براي ولي جواز دارد كه فديه نمازها را به تاممي به يك نفر فقير بدهد.
 همين جواز دارد كه فديه روزه ها را تماماً به يك فقير بدهد.
 وليكن جواز ندارد كه فديه كفارة يميين (كفارة سوگند) را به يك فقير بيشتتر از نصف صاع از گندم در يك روز بدهد.
 اگر شخص متوفي ولي خویش را به اداء كردن فديه وصيت نكرده بود و ليكن ولي آن داوطلبانه از جاي وي آن فديه را پرداخت، قبول آن از بارگاه حق تعالي اميد برده مي شود.
 براي ولي صحيح نيست كه عوض از روزه فوت شده متوفي، از جاي آن روزه بگيرد.
 همچنين براي ولي صحيح نيست كه از جاي مرده عوض نمازهاي فوت شده آن نماز بگزارد.
 اگر مريض قبل از آنكه براداي نماز خویش به اشاره قادر شود، وفات كرد، وصيت كردن به اداي فديه بروي لازم نمي گردد، چه نمازهاي فوتي آن بسيار باشد چه كم.
 همچنين اگر مريض مرد، قبل از آنكه بر قضاء آوردن روزه هايي كه در مرض مرگش از وي فوت شده است قادر گردد، بر او وصيت كردن به اداي فديه لازم نمي گردد، خواه روزه هاي فوت شده وي بسيار باشد، يا كم.
 همچنين اگر مسافر قبل از اقامت مرد، بر او وصيت كردن به پرداخت فديه روزه لازم نمي گردد.

احكام سجده سهو

هر كس ركني از ارکان نماز را ترك نمود، پس نماز وي باطل شده است، و بروي اعاده نماز واجب است.
 و در اين صورت نقصان نماز با سجده سهو يا به چيز ديگري جبران نمي شود، چه ترك ركن به قصد بوده باشد، يا به سهو.
 هر كس واجبي از واجبات نماز را به قصد ترك كرد، پس محققاً گناه كار شده است، و نماز وي فاسد گرديده است، و بروي اعاده نماز واجب است، زيرا در اين

- صورت نقصان نماز با سجدة سهو جبران نمی شود.
- اما هر کس واجبی از واجبات نماز را سهواً ترك کرد، سجدة سهو بروی واجب است، و در این صورت نقصان نماز با سجدة سهو جبران می شود.
- پس سجدة سهو در صورتهای آتی واجب می گردد:
- 1- در صورتیکه قرائت سورة فاتحه را دو رکعت اول از نماز فرض، یا در يك رکعت از آن دو رکعت، سهواً ترك کرد.
 - همچنین سجدة سهو واجب می گردد، اگر قرائت سورة فاتحه را در هر رکعتی از رکعتهای نفل و وتر سهواً ترك کرد.
 2. در صورتی که قرائت را در دو رکعت اول از نماز فرض فراموش کرد، پس آنرا در دو رکعت دیگر خواند.
 3. در صورتی که ضم کردن سورة دیگر را با سورة فاتحه در دو رکعت اول از نماز فرض، و یا يك رکعت از آن دو فراموش کرد.
 - و همچنین است اگر ضم کردن سوره ای را با سورة فاتحه در هر رکعتی از رکعتهای نفل و وتر فراموش کند.
 4. در صورتی که سورة فاتحه را دو بار خواند، زیرا او سوره را از جای آن به تأخیر انداخته است.
 5. در صورتی که يك سجده نموده به رکعت دوم برخواست، آنگاه این رکعت را با هر دو سجدة آن اداء نمود، سپس سجده ای را که سهواً ترك نموده است به آن ضمیمه ساخت، پس نماز وی صحیح گردیده، اما بر وی سجدة سهو واجب گردیده است.
 6. در صورتی که قعدة اول را سهواً در نماز سه رکعتی، یا چهار رکعتی ترك کرد، خواه قعدة اول را در نماز فرض ترك کرده باشد یا در نماز نفل.
 - کسی که قعدة اول از نماز فرض را سهواً ترك کرد، و به صورت تام و کامل به رکعت سوم ایستاد، پس به نماز خویش ادامه داده و برای سهو سجده کند، بدانجهت که او واجب نشستن (قعدة) را ترك کرده است.
 7. در صورتی که خواندن تشهد (التحیات) را سهواً ترك کند.
 8. در صورتی که تکبیر قنوت را در نماز وتر ترك کند.
 9. در صورتی که قرائت قنوت را در نماز وتر قبل از رکوع ترك کند.
 10. در صورتی که امام قرائت را در نمازهای سری بلند بخواند.
 11. در صورتی که امام در نمازهای جهری قرائت را آهسته بخواند.
 12. در صورتی که در قعدة اول بر تشهد (التحیات) بیفزاید، مانند اینکه درودها را سهواً بعد از تشهد بخواند، یا به اندازه ادای يك رکن از ارکان، به حال سکوت درنگ نماید.

فروعاتی که به سجده سهو تعلق می گیرند

سجد سهو، با سهو امام؛ بر امام و مقتدی هر دو واجب می گردد. و سجده سهو واجب نمی گردد اگر چنانچه مقتدی در حال اقتدائش به امام، سهو کند. و سجده سهو بر مقتدی واجب می گردد اگر چنانچه بعد از سلام دادن امام، در حال تکمیل نمودن نمازش سهو کرد.

آنگاه که سجده سهو بر امام واجب گردید و او سجده کرد، بر مقتدی نیز واجب است تا از امام خویش در سجده سهو پیروی نماید.

کسی که بروی سجده سهو واجب گردیده است؛ در صورت ترك نمودن عمدی آن گنه کار می باشد، و اعاده نماز بر وی واجب است.

کسی که بیشتر از يك واجب را سهواً ترك نمود برای او دو سجده سهو کفایت می کند.

کسی که قعدة اول از نماز فرض را سهواً ترك نمود، به سوي قعدة برگردد تا آنگاه که کاملاً برابر ایستاده نشده است، سپس اگر به ایستادن نزدیکتر بود سجده سهو انجام دهد، و اگر به قعدة نزدیک تر بود، سجده ای بروی نیست.

کسی که قعدة اول را در نماز نفل فراموش می کند، به سوي قعدة بر گردد. اگر چه که برابر ایستاده شده بود. و برای سهو سجده کند.

کسی که قعدة اخیر را فراموش کرد و ایستاد، پس به سوي قعدة برگردد تا آنگاه که برای رکعت پنجم سجده نکرده بود، و برای سهو سجده کند.

کسی که قعدة اخیر را فراموش کرد و ایستاد و برای رکعت پنجم سجده کرد، پس فرض وی به نفل تبدیل گردیده است، و برای او لازم است تا رکعت ششمی را به آن ضمیمه کند در نمازهای ظهر، و عصر، و عشاء. و رکعت چهارمی را ضمیمه کند در نماز صبح، و برای سهو سجده نماید، و فرضش را اعاده نماید.

کسی که در قعدة اخیر نشست، و تشهد خواند، سپس به گمان اینکه این قعدة اول است به پا خواست، به قعدة برگردد و سلام بدهد، و تشهد را تکرار نکند.

کسی که به قصد خارج شدن از نماز سلام داد، در حالی که بر وی سجده سهو واجب گردیده بود، برای سهو سجده کند تا آنگاه که عملی منافی با نماز را انجام نداده باشد، همچون بر گردیدن از قبله، و سخن گفتن و امثال آن.

کسی که نماز چهار رکعتی ای را می خواند، پس گمان کرد که او نماز خویش را تکمیل نموده است، و از اینرو سلام داد، سپس دانست که او دو رکعت خوانده است، به نماز خویش ادامه دهد، و برای سهو سجده کند.

کیفیت سجده سهو

کسی که بر او سجده سهو واجب شده است، چون در قعدہ اخیر از تشهد فارغ گردید، از جانب راست خویش یک سلام بدهد، سپس تکبیر گفته و دو سجده مانند سجده نماز بنماید، آنگاه بنشیند و وجوباً تشهد بخواند، و بعد از آن درودها را خوانده و در حق خویش دعاء نماید، آنگاه برای خارج شدن از نماز سلام بدهد. پس اگر قبل از سلام سجده کرد نماز وی جائز است، و لیکن این کار مکروه تنزیهی است.

چه وقت سجده سهو ساقط می شود؟

1. سجده سهو در نماز جمعہ ساقط می شود، اگر چنانچه در جمعہ، جمع بسیاری حاضر بوده باشند، تا آنکه امر بر نمازگزاران مشتبه و آشفته نشود.
 2. و سجده سهو در عیدین (عید فطر و عید قربان) ساقط می شود، اگر چنانچه در آنها جمع بسیاری حاضر گردیده بودند.
 3. و سجده سهو ساقط می شود اگر چنانچه خورشید در نماز صبح بعد از سلام دادن طلوع کرد.
 4. و سجده سهو ساقط می شود اگر چنانچه خورشید در نماز عصر بعد از سلام دادن به رنگ سرخی گرآید.
- و سجده سهو ساقط می شود اگر چنانچه بعد از سلام دادن امری رونما گردید که منافی با نماز بود، مثلاً سخن گفتن به سهو- و در تمام این صورتهای اعاده و باز گردانیدن نماز واجب نیست.

چه وقت نماز با شك باطل می شود و چه وقت باطل نمی شود؟

کسی که در اثناء نماز خویش در تعداد رکعتهای آن شك کرد، و این شك برای اولین بار بر وی پیش آمد، پس نماز وی باطل شده است، و بروی اعاده نماز واجب است. کسی که در تعداد رکعتهای نماز بعد از سلام دادن شك کرد، نماز وی باطل نمی شود.

کسی که بعد از سلام دادن یقین حاصل کرد که بعضی از رکعتهای نماز را ترک

کرده است، پس اگر عملی منافعی با نماز را انجام نداده بود، آنچه را که ترک کرده است بخواند، و اگر عملی را انجام داد که منافعی با نماز بود- مانند اینکه سخن گفت مثلاً- پس نمازش را اعاده نماید.

کسی که بر وی در غالب اوقات شك پیش می آید، و شك؛ عادتت برای وی گردیده است، پس به آن چیزی عمل نماید که بر گمانش غالب است، و اگر چیزی بر گمان وی غالب نگردد جانب اقل را بگیرد، و بعد از هر رکعتی که آن را آخر نماز خویش گمان می کند بنشیند و برای سهو سجده کند.

احکام سجده تلاوت

سجده تلاوت واجب می گردد؛ اگر یکی از سه امر آتی رونما گردید:

1. آنگاه که شخص آیه سجده را خواند، چه آنچه را که خوانده بود خود شنیده بود یا نشنیده بود. همچنین سجده تلاوت واجب می گردد اگر از آیت سجده حرف سجده را با کلمه ای قبل یا بعد از آن خواند.

2. سجده تلاوت واجب می گردد؛ اگر آیت سجده را شنید، خواه قصد شنیدن آنرا کرده بود، یا نکرده بود.

3. سجده تلاوت واجب می گردد؛ آنگاه که به امامی اقتداء نمود که آن امام آیت سجده تلاوت را خواند، خواه مقتدی آیت سجده را شنیده باشد یا نشنیده باشد.

سجده تلاوت بر زن حائض و بر زن در حال نفاس واجب نمی گردد.

سجده تلاوت از تلاوت مقتدی واجب نمی گردد، نه بر خود مقتدی و نه بر امام.

سجده تلاوت واجب نمی گردد بر شخص در حال خواب، و بر دیوانه، و بر کودک، و بر کافر.

و سجده تلاوت واجب نمی گردد اگر آیت سجده را از يك آله ضبط کننده ای چون نوار ضبط الصوت، گرامافون و فنوگراف شنید.

وجوب سجده تلاوت گاهی موسع و فراخ است و گاهی تنگ و محدود.

وجوب سجده تلاوت آنگاه موسع و فراخ است که واجب آورنده آن در خارج از نماز روی دهد، یعنی شخص گنه کار نمی شود اگر سجده تلاوت را در خارج از نماز به تأخیر اندازد، ولیکن به تأخیر انداختن آن مکروه تنزیهی است.

وسجده تلاوت تنگ و محدود است آنگاه که واجب آورنده آن در نماز روی دهد، به اینکه شخص آیت سجده را در نماز بخواند، پس در این حالت ادای فوری سجده بروی واجب می گردد.

و اندازه فوریت به این مقدار است که میان سجده و میان تلاوت آیت سجده زمانی که گنجایش قرائت بیشتر از سه آیه رادارد فاصله نباشد.

پس اگر بین سجده و تلاوت آیت سجده زمانی گذشت که گنجایش قرائت بیشتر از سه آیه راداشت، فوریت باطل شده است.
و اگر برای آیت سجده، سجده نکرد بلکه قبل از انقطاع فوریت رکوع نمود، و بارکوع نیت سجده تلاوت را کرد، از وی کافی است وصحت دارد.
همچنین اگر برای آیت سجده، سجده نکرد، بلکه قبل از انقطاع فوریت برای نماز سجده نمود، این سجده از وی پذیرفته میشود و وصحت دارد، خواه نیت سجده تلاوت را کرده باشد، یا نکرده باشد.
و اگر چنانچه فوریت منقطع گردید، سجده تلاوت از وی ساقط نمی شود، نه با رکوع و نه با سجده کردن برای نماز، و بر وی قضاء آوردن این سجده با سجده خاص دیگری واجب می گردد، مادامی که در نماز خویش است.
پس اگر از نماز خارج گردید و سجده تلاوت را انجام نداد، دیگر آن را در خارج از نماز قضاء نیاورد، زیرا که وقت آن فوت گردیده است، اما اگر چنانچه با سلام دادن از نماز خارج گردید، پس می تواند آن را قضاء آورد تا آنگاه که عملی منافی با نماز را انجام نداده است.

فروعاتی که به سجده تلاوت تعلق می گیرند

اگر امام و مقتدی ها آیت سجده را از شخصی شنیدند که با ایشان در نماز شریک نبود، پس امام و مقتدی ها بعد از فراغت از نماز سجده نکنند.
و اگر این سجده را در نماز انجام دادند صحیح نمی شود، و لیکن نماز ایشان نیز با این سجده فاسد نمی گردد.
کسی که آیت سجده را از امام شنید، سپس قبل از آنکه امام برای سجده تلاوت سجده نماید، به آن اقتداء کرد، در این صورت آن شخص از امام خویش در سجده آن پیروی نماید.
کسی که آیت سجده را از امام شنید، سپس به آن بعد از آن اقتداء کرد که امام در این رکعت سجده کرده بود، پس آن شخص در یابنده آن سجده است و بنا بر این سجده نکند، نه در نماز و نه در خارج از آن.
کسی که آیت سجده را خارج از نماز خواند و برای آن سجده نکرد، سپس تلاوت آنرا در نماز عود نمود و برای آن سجده کرد، این سجده از جای هر دو سجده کافی است، تا آنگاه که مجلس تبدیل نشده است.
کسی که تلاوت آیت سجده را در یک مجلس تکرار کرد، برای او یک سجده واحد کافی است.
کسی که آیت سجده را در مجلسی خواند، آنگاه مجلس تبدیل گردید و او تلاوت آنرا

تکرار کرد، پس بروی دو سجده واجب می‌گردد.
 مجلس بوسیله انتقال از آن جلسه به مجلسی دیگر تبدیل می‌گردد.
 زوایا و گوشه‌های یک خانه در حکم یک مجلس واحد است، چه آن خانه کوچک باشد چه بزرگ.
 زوایای یک مسجد در حکم یک مجلس واحد است، چه آن مسجد کوچک باشد چه بزرگ.
 اگر مجلس شنونده تکرار گردید، و جوب سجده نیز بروی تکرار می‌گردد، خواه مجلس قاری و خواننده هم تکرار شده باشد یا نشده باشد.
 مکروه است که سوره‌ای را که در آن سجده است بخواند اما آیت سجده را در آن ترک نماید.
 اگر چنانچه شنونده آماده سجده کردن نبود، برای قاری مستحب است تا آیت سجده را آهسته تلاوت نماید، به طوری که او آنرا نشنود.

کیفیت سجده تلاوت

کیفیت سجده تلاوت چنین است که یک سجده را در میان دو تکبیر انجام دهد؛ تکبیری در هنگام نهادن پیشانی خود بر زمین برای سجده، و تکبیر دیگر در هنگام برداشتن پیشانی خود از سجده.
 اداء کننده سجده تلاوت دستهای خویش را در هنگام تکبیر بلند نکند، و تشهد را نخواند و بعد از سجده سلام هم ندهد.
 رکن سجده تلاوت یک چیز است، و آن نهادن پیشانی است بر زمین، یا آنچه که به جای آن می‌ایستد از رکوع، و اشاره است برای مریض. و هر دو تکبیر سنت اند.
 و مستحب است که از جای خویش برخیزد، آنگاه برای تلاوت سجده کند. شرطهای صحت سجده تلاوت همانا عین شرطهای صحت نماز است، به جز اینکه تکبیر تحریمه در نماز شرط است اما در سجده تلاوت شرط نیست.
 اداء سجده تلاوت در چهارده موضع از قرآن کریم واجب می‌گردد:

- 1- در سوره اعراف. 2- در سوره رعد.
- 3- در سوره نحل. 4- در سوره اسراء.
- 5- در سوره مریم. 6- سجده اول در سوره حج.
- 7- در سوره فرقان. 8- در سوره نمل.
- 9- در آلم السجده. 10- در سوره (ص).
- 11- در سوره حم السجده. 12- در سوره نجم.

نماز جمعه

خدای متعال فرموده است:

(أَدَا تُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ، ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ- آنگاه که برای نماز از روز جمعه ندا در داده شد پس بشتابید بسوی ذکر الله، و ترك کنید معامله خرید و فروش را، این برای شما بهتر است اگر شما می دانید). (سوره جمعه-9)

و رسول خدا (ص) فرموده است:

((مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجُمُعَةِ وَ زِيَادَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَ مَنْ مَسَّ الْحَصَى فَقَدْ لَغَا- هر کس وضوء گیرد پس وضوء را نیکو گرداند، سپس به نماز جمعه بیاید، آنگاه گوش فرادهد و ساکت باشد، آمرزیده شده است برای او مابین این جمعه و جمعه ای دیگر به اضافه سه روز، و هر کس که سنگ ریزه ها را مساس کند پس محققاً که کار بیهوده ای کرده است)) (به روایت مسلم)

و نیز فرموده آن حضرت (ص) است:

(مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوُنًا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ- هر کس سه جمعه را از روی سبک انگاری ترك کند خداوند بر قلب وی مهر می نهد). (به روایت ابو داؤد)

نماز جمعه دو رکعت جهري است، و این نماز فرض عین مستقلي می باشد و بدل از نماز ظهر نیست، و لیکن هر آن کس که نماز جمعه از وی فوت گردید، بروی چهار رکعت نماز ظهر فرض گردیده است.

شرطهای فرضیت نماز جمعه

نماز جمعه بر هرکسی که در وی شرطهای آتی فراهم باشد فرض است:

- 1- اینکه مرد باشد، پس نماز جمعه بر زن فرض نیست.
- 2- اینکه آزاد باشد، پس نماز جمعه بر برده فرض نیست.
- 3- اینکه در شهری مقیم باشد، یا در جایی که در حکم شهر است، پس نماز جمعه بر مسافر فرض نیست، و همچنین بر مقیمی که در قریه است فرض نیست.
- 4- اینکه شخص صحیح و سالم باشد، پس نماز جمعه بر مریض فرض نیست.
- 5- اینکه امنیت وی تأمین باشد، پس نماز جمعه بر کسی که از بیم ظلم ظالم پنهان شده است فرض نیست.
- 6- اینکه بینا باشد، پس نماز جمعه بر نا بینا فرض نیست.

7- اینکه بر پیاده رفتن قادر باشد، پس نماز جمعه بر کسی که قادر به پیاده روی نیست فرض نمی باشد.

آنانی که برایشان نماز جمعه فرض نیست اگر چنانچه آنرا خواندند نماز ایشان صحیح است و نماز ظهر از ایشان ساقط گردیده است، و خواندن نماز جمعه برای ایشان متسحب است.

و زن نماز ظهر را در خانه اش بگذارد، زیرا که او از حضور در جماعت منع شده است.

شرطهای صحت نماز جمعه

نماز جمعه صحیح نیست مگر آنگاه که شرطهای آتی فراهم بوده باشد:

- 1- شهر و فناء () آن، پس نماز جمعه در قریه ها صحیح نمی شود. و برپا داشتن نماز جمعه در مواضع بسیاری از يك شهر و فناء آن صحت دارد.
 - 2- اینکه امام (خلیفه، رئیس جمهور، پادشاه) یا نایب آن در جمعه حاضر باشد.
 - 3- اینکه نماز جمعه در وقت ظهر اقامه گردد، پس برگزاری نماز جمعه قبل از وقت ظهر و بعد از آن صحیح نمی شود.
 - 4- خطبه؛ در صورتی که در وقت ظهر قبل از نماز ایراد گردد. و حضور حد اقل يك نفر از آنانی که جمعه به ایشان منعقد می شود برای شنیدن خطبه الزامی و لا بدی است.
 - 5- إذن عام. و مراد به إذن عام این است که مکانی که در آن جمعه برپا می شود برای هر کسی که اراده در آمدن در آنرا داشت مباح و بلا مانع باشد، پس جمعه در سرایی که دروازه آن بر روی مردم بسته شده است صحیح نیست.
 - 6- اینکه جمعه یا جماعت برپا ساخته شود، پس نماز جمعه صحیح نیست، اگر آنرا تنها تنها گزار دند.
- و جماعت در نماز جمعه با سه مرد بجز امام منعقد می شود.
اگر مسافر، یا مریض در نماز جمعه امامت داد، نماز صحیح است.

سنتهای خطبه

امور آتی در خطبه سنت است:

- 1- اینکه خطیب از حدث و نجاست پاک باشد.
- 2- اینکه خطیب پوشاننده عورت خویش باشد.
- 3- اینکه خطیب قبل از شروع کردن در خطبه بر منبر بنشیند.
- 4- اینکه در پیش روی خطیب اذان داده شود.
- 5- اینکه خطیب ایستاده خطبه بخواند.
- 6- اینکه خطیب خطبه را با حمد و ستایش خدای متعال آغاز نماید.
- 7- اینکه خطیب بر خدای متعال به آنچه که او شایسته آن است ثناء بگوید.

- 8- اینکه خطیب شهادتین را در خطبه بیاورد.
- 9- اینکه بر رسول اکرم (ص) در خطبه درود بخواند.
- 10- اینکه مردم را در خطبه موعظه کند، و ایشان را پند و اندرز دهد، و حد اقل آیه ای از قرآن کریم را بخواند.
- 11- اینکه دو خطبه ایراد نماید، و میان دو خطبه با نشستن سبکی فاصله قرار دهد.
- 12- اینکه خطبه دوم را با حمد خدای متعال و ثناء بر وی و درود بر رسول اکرم (ص) از سر بگیرد.
- 13- اینکه در خطبه دوم در حق مؤمنین و مؤمنات دعاء نموده و برای ایشان آمرزش بخواهد.
- 14- اینکه ایراد خطبه با صدای بلند و آشکار بوده باشد تا اینکه قوم بر شنیدن سخنان خطیب قادر گردند.
- 15- اینکه خطیب خطبه را سبک گرداند، بدان حد که به اندازه سوره ای از سوره های طوال مفصل بوده باشد.

فروعاتی که به نماز جمعه تعلق می گیرند

شتاب کردن به سوی نماز جمعه و ترك داد و ستد با اذان اول واجب است. چون امام برای خطبه بیرون آمد پس نه نمازی جواز دارد و نه سخن گفتنی، بناء شخص تا آنگاه که از نماز فارغ می شود نه سلامی را پاسخ دهد و نه عطسه زننده ای را. برای خطیب مکروه است که خطبه را طولانی گرداند. برای خطیب مکروه است که چیزی از سنتهای خطبه را ترك نماید. خوردن، آشامیدن، بیهوده کاری و بازی کردن و نگریستن به این سو و آنسو برای کسی که خطبه را حاضر گردیده است مکروه می باشد. خطیب چون بر منبر برخواست بر قوم سلام ندهد. کسی که جمعه را در تشهد یا در سجده سهو دریافت، پس به تحقیق که جمعه را دریافته است و دو رکعت را تمام گرداند. برای معذور و زندانی مکروه است که نماز ظهر را در روز جمعه در شهر به جماعت بخواند.

احکام عیدین

ابو داؤد در سننش از انس (رض) روایت کرده است که فرمود: (رسول خدا (ص) به مدینه تشریف آوردند در حالی که مردم مدینه دو روز داشتند که در آن ها به سر گرمی و تفریح می پرداختند، پس رسول خدا (ص) فرمودند: فلسفه جشن گرفتن این

دو روز چیست؟ گفتند: ما در جاهلیت در این دو روز به بازي و سرگرمي مي پرداختيم. رسول خدا (ص) فرمودند: محققاً خداوند (ج) بهتر از آن دو روز را براي شما جانشين قرار داده است: روز قربان و روز فطر).

نماز عيدین واجب است، و آن عبارت است از گزاردن دو رکعت جهري در هر يك از دو عيد. و این دو رکعت بعد از بالا آمدن خورشید به اندازه يك نیزه خوانده مي شود، و در آن تکبیرهاي است که به نام تکبیرات زوائد نامیده مي شوند- سه تکبیر در رکعت اول بعد از ثناء (سبحانک اللهم) و سه تکبیر در رکعت دوم قبل از رکوع، و خطبه بعد از نماز ایراد مي شود.

نماز عيدین بر چه کسي واجب است؟

نماز عيدین واجب نیست مگر بر کسي که نماز جمعه بر او واجب مي گردد. پس نماز عيدین بر مرد سالم، آزاد، مقیم، بینا، و در حال امنیت واجب است، اگر چنانچه بر پیاده رفتن قادر بود.

و نماز عيدین بر زن، و بیمار، و برده، و مسافر، و نا بینا، و شخص بیمناک، واجب نیست.

همچنین نماز عيدین بر کسي که قادر به پیاده روي نمي باشد واجب نیست. کسي که نماز عيدین بر او واجب نیست اگر آنرا همراه با مردم خواند، نماز وي جائز است.

شرطهاي صحت نماز عيدین

نماز عيدین صحيح نیست مگر آنگاه که شرطهاي آتي یکجا گردند:

1- وجود شهر و فناء آن.

2- وجود سلطان و نایب وي .

3- فراهم بودن إذن عام.

4- وجود جماعت.

و در نماز عيدین جماعت با يك نفر به همراه امام منعقد مي شود.

5- وجود وقت.

وقت نماز عيدین آنگاه شروع مي شود که خورشید به اندازه يك نیزه بالا آید، و با زوال خورشید وقت آن به پایان مي رسد.

نماز عيدین بدون خطبه صحت دارد، و لیکن این مکروه است.

نماز عيدین صحيح است؛ اگر خطبه بر نماز مقدم ساخته شد، و لیکن این مکروه است.

مستحبات روز فطر

امور آتي در روز فطر مستحب است:

1- اینکه صبح زود از خواب بيدار شود.

- 2- اینکه نماز صبح را در مسجد محله خویش بخواند.
 - 3- اینکه مسواک بزند.
 - 4- اینکه غسل نماید.
 - 5- اینکه نیکوترین جامه خویش را بپوشد.
 - 6- اینکه خوشبویی استعمال نماید.
 - 7- اینکه قبل از رفتن به سوی مصلي چیزی بخورد.
 - 8- اینکه صدقه فطر را قبل از رفتن به سوی مصلي اداء کند، اگر چنانچه صدقه فطر بر وی واجب بود.
 - 9- اینکه بر حسب توانائی خویش صدقه را بسیار گرداند.
 - 10- اینکه شادمانی و بشاشیت را بر چهره خویش آشکار گرداند.
 - 11- اینکه به موقع و اول وقت، پیاده، تکبیر گویان، و بطور آهسته به سوی مصلي حرکت کند و چون به مصلي رسید تکبیر گفتن را قطع نماید.
 - 12- اینکه در برگشتن از مصلي از راه دیگری بر گردد.
- گزاردن نماز نافله قبل از نماز عیدین مکروه است.
 گزاردن نماز نافله قبل از نماز عیدین در مصلي مکروه است.
 گزاردن نماز نافله بعد از نماز عیدین در مصلي مکروه است، اما در خانه مکروه نیست.

کیفیت نماز عیدین

چون می خواستی نماز عید را بگزارای، پس با امام برخیز، در حالی که نیت کننده نماز عید و پیروی از امام هستی، و برای تحریمه تکبیر بگویی، سپس ثناء (سبحانک اللهم) را بخوان، سپس به همراه امام سه بار تکبیر بگویی، و دستهایت را هر بار به برابر گوشه‌های بالا کن، آنگاه سکوت کن و امام آهسته (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم) را بخواند، سپس جهراً سوره فاتحه را بخواند، و بعد از آن با سوره فاتحه سوره دیگری را ضمیمه کند. و برای امام مستحب است که سوره بالاتر را در رکعت اول بخواند. آنگاه با امام رکوع و سجده کن؛ چنانکه در نماز های روزانه رکوع و سجده می نمایی، پس چون به همراه امام برای رکعت دوم بر خواستی، ایستاده ساکت باش، و امام آهسته (بسم الله الرحمن الرحیم) را بخواند، آنگاه جهراً سوره فاتحه را بخواند و سپس سوره دیگری را، و برای امام مستحب است که سوره (الغاشیه) را در رکعت دوم بخواند، پس چون امام از قرائت فارغ گردید و تکبیر گفت، تو نیز با وی سه تکبیر بگویی، و دستهایت را در هر بار بالا کن، سپس رکوع کن، و سجده کن، و نماز را مثل نماز های روزانه تکمیل نما، پس چون امام از نماز فارغ گردید، دو خطبه بخواند و در آنها احکام عید فطر را به مردم تعلیم دهد.

اگر امام تکبیرات زوائد را در رکعت دوم بر قرائت مقدم گرانید جائز است، و لیکن

اولی و احسن این است که قرائت را بر تکبیرات زوائد در رکعت دوم مقدم گرداند. تأخیر نماز عید به فردای آن جائز است، اگر چنانچه عذری موجود بود. کسی که نماز عیدین با امام از وی فوت شده است، آنرا قضاء نیاورد، زیرا که گزاردن نماز عیدین بدون جماعت صحیح نیست.

احکام عید اضحی

احکام عید اضحی مانند احکام عید فطر است. و نماز عید اضحی نیز مانند نماز عید فطر است، مگر اینکه باید شخص، خوردن را در عید اضحی از نماز به تأخیر اندازد، و در راه بلند تکبیر بگوید، و امام احکام قربانی و تکبیر تشریق را در خطبه عید قربان به مردم تعلیم بدهد. به تأخیر انداختن نماز عید اضحی تا روز دوازدهم از ذی الحجه جواز دارد، اگر چنانچه عذری موجود بود. گفتن تکبیر تشریق یک بار به طور جهری بعد از نماز صبح روز عرفه- یعنی روز نهم از ذیحجه- تا عصر روز سیزدهم از ذیحجه بر هرکسی که نماز فرض را می خواند واجب است، چه نماز را به جماعت بخواند یا به تنهایی، چه مسافر باشد یا مقیم، چه مرد باشد یا زن، و چه روستایی باشد یا شهری.

نماز کسوف و خسوف

بخاری (رض) از ابی بکره (رض) روایت کرده است که گفت: در عصر رسول خدا (ص) خورشید گرفت، پس آن حضرت (رض) بیرون شدند در حالی که رداء (پتوی) خویش را با خود می کشیدند، تا اینکه به مسجد رسیدند، و مردم به سوی ایشان گرد آمدند، پس مبارک برای ایشان دو رکعت نماز گزاردند، و آنگاه خورشید آشکار گردید، پس فرمودند:

((إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ انَّهُمَا لَا يَخْسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لَا لِحَيَاتِهِ، وَ لَكِنْ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِمَا عِبَادَهُ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَصَلُّوا حَتَّى يَنْكَشِفَ مَا بَعْكُمْ بِبِغْمَانِ خورشید و ماه دو نشانه از نشانه های خداوند هستند، و بی تردید آن دو بخاطر مرگ و یا حیات هیچ کسی در حجاب قرار نمی گیرند و لیکن خداوند به وسیله در حجاب قرار دادن این دو؛ بندگان خویش را می ترساند و بیم می دهد، پس آنگاه که این دو پدیده رونما گردید، نماز بخوانید تا آنکه بر شما آشکار و متجلی گردند)). مسنون است که در هنگام خورشید گرفتگی دو رکعت یا چهار رکعت نماز با جماعت برگزار گردد.

إقامه جماعت در نماز کسوف (خورشید گرفتگی) سنت مؤکده است.

اما اقامه جماعت در خسوف (ماه گرفتگی) سنت نیست، بلکه مردم در آن تنها، تنها بدون جماعت نماز بخوانند.
در نماز خورشید گرفتگی نه اذان است و نه اقامت و نه خطبه، بلکه چنین ندا کرده شود: ((الصلاه جَامِعَه)).
برای امام سنت است که در نماز خورشید گرفتگی قرائت و رکوع و سجده را طولانی گرداند.
چون امام از نماز فارغ گردید؛ شروع به دعا کردن نماید و مقتدی ها هم بر دعاء وی آمین بگویند تا آنگاه که خورشید آشکار گردد.

نماز استسقاء

ابو داؤد (رض) در سنن خویش از عبد الله بن عباس (رض) روایت کرده است که رسول خدا (ص) در استسقاء دو رکعت نماز همچون نماز عید خواندند.
استسقاء همانا طلب کردن بندگان است باران را از خداوند (رض) در هنگام نیاز مندی به آب، و ثابت گردیده است که رسول خدا (ص) استسقاء (طلب باران) نموده به بارگاه خدای متعال دعاء نمودند.
نماز استسقاء در نزد امام ابو حنیفه (رح) با جماعت مسنون نیست.
اما امام ابو یوسف و امام محمد (رحمهما الله) گفته اند: امام به مردم دو رکعت نماز بگزارد، و در آن قرائت را بلند بخواند و دو خطبه نیز بعد از نماز ایراد نماید.
مستحب است که مردم برای استسقاء سه روز پی در پی بسوی مکانی خارج از آبادی بیرون آیند.
و مستحب است که مردم پیاده در جامه های کهنه، یا پیوند خورده، با تذلل و خاکساری، فروتنانه و خاشعانه برای خدای متعال، در حالی که سرهای خویش را به پایین افکنده اند به نماز استسقاء بیرون آیند.
برای مردم مستحب است که هر روز قبل از بیرون آمدن برای نماز استسقاء صدقه بدهند.
همچنین برای ایشان مستحب است که روزه بگیرند.
مستحب است که از گناهان خویش بسیار استغفار نمایند.
مستحب است که به همراه خود چهار پایان، و پیر مردان بزرگ سال، و کودکان را بیرون آورند.
امام رو به سوی قبله در حالیکه دستهای خویش را بلند کرده است برای دعاء به ایستد.
و مقتدی ها بر دعاء وی نشسته رو به قبله آمین بگویند.

امام در دعاء خویش چنین بگوید:
(اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا نَافِعًا غَيْرَ ضَارٍ، عَاجِلًا غَيْرَ أَجَلٍ، اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ
وَإِنْسُرْ رَحْمَتَكَ وَآحِي بَلَدِكَ الْمَيِّتِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ،
أَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغَيْثَ وَاجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ لَنَا قُوَّةً وَبَلَاغًا لِي حِينَ) .

کتاب جنائز

با محتضر چه چیز انجام شود؟

رسول خدا (ص) فرموده است:
(مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ- کسی که آخرین سخن وی لا اله الا الله
باشد به بهشت وارد می شود).
کسی که بر وی نشانه های مرگ آشکار گردیده، مسنون است اینکه بر پهلوی راست
خویش قرار داده شود و روی آن به سوی قبله گردانیده شود، همچنین جواز دارد که
بر پشت خوابانده شود، بگونه ای که پاهای آن به جانب قبله باشد، و سر آن اندکی
بلند گردانیده شود تا روی آن به سوی قبله گردد.
کسی که بر وی نشانه های مرگ آشکار گردیده، مستحب است که بروی شهادتین
تلقین شود، و صورت تلقین این است که شهادتین در نزد وی بلند خوانده شود،
بگونه ای که آنرا بشنود، و لیکن برای او گفته نشود (بگو و بخوان) تا (نه) نگوید، و
در نتیجه گمان بد در حق وی نرود.
و مستحب است که در این هنگام نیکو ترین اعضاء خانواده آن، و نزدیکان آن، و
همسایگان آن بر وی در آیند.
و مستحب است تلاوت سوره (یس) در نزد آن، زیرا در حدیث شریف آمده است:
(هیچ بیماری نیست که در نزد وی سوره یاسین خوانده می شود، مگر اینکه سیراب
می میرد، و در قبر خویش سیراب داخل کرده می شود، و در روز قیامت سیراب
حشر می گردد)). (به روایت ابو داؤد)

با مرده قبل از غسل دادن آن چه چیز انجام داده شود؟

چون شخص در حال احتضار وفات کرد، مستحب است که محاسن وی با پارچه
عریضی از بالای سر آن محکم بسته شود، و پلکهای آن به هم فرو آورده شود (یعنی
چشمهای وی فروپوشانده شود).
و آن کس که پلکهای آن را فرود می آورد و چشمان آنرا فرو می پوشاند چنین
بگوید: (بسم الله و علي مله رسول الله، اللهم يسره عليه أمره، و سهّل عليه ما بعده، و
اسعده ليقائك، واجعل ما خرج اليه خيراً مما خرج منه).

و بر شکم آن چیز سنگینی نهاده شود تا شکم وی باد نکند.
و دستهای آن به هر دو پهلوئی آن نهاده شود.
و نهادن دستهای وی بر سینه وی جواز ندارد.
و قبل از آنکه غسل داده شود، قرائت قرآن به طور بلند در نزد وی مکروه است.
قرائت قرآن فقط آنگاه مکروه است که قاری به میت نزدیک باشد، اما اگر از وی دور بود، پس کراهیتی نیست.
مستحب است که مرگ وی اعلام کرده شود.
متسحب است که به تجهیز متوفی و دفن آن شتاب کرده شود.

حکم غسل دادن میت

غسل دادن میت بر زندگان فرض کفایه است.
پس اگر بعضی از مردم به غسل دادن میت اقدام نمودند، فرض از دوش بقیه ساقط می گردد.
و اگر کسی به غسل دادن آن اقدام نکرد همگی گناه کار می شوند.
و غسل دادن میت فقط آنگاه فرض است که شرط های آتی در وی موجود گردد:
1- اینکه میت مسلمان باشد، بناءً غسل دادن کافر واجب نیست.
2- اینکه از بدن میت، اکثر، یا نصف آن به همراه سرش یافته شود.
3- اینکه متوفی شهیدی نباشد که در راه اعلاء کلمه الله کشته شده است، زیرا شهید غسل داده نمی شود، بلکه با خون و جامه خویش دفن می گردد.
4- اینکه میت جنین سقطی نباشد که مرده و ناقص الخلقه از شکم مادر افتاده باشد.
پس اگر نوزاد زنده از شکم مادر افتاد، و از وی آوازی شنیده شد، یا برای وی حرکتی دیده شد، غسل دادن آن واجب است، خواه تولد آن قبل از تمام شدن مدت بارداری باشد، یا بعد از آن.
همچنین اگر نوزاد از شکم مادر مرده بیرون افتاد، در حالیکه تام الخقه بود؛ غسل داده می شود.

کیفیت غسل دادن میت

میت فقط بر یک تخته بخور داده شده (خوشبو ساخته شده) نهاده شود، و عورت آن از ناف تا زانوی آن پوشانیده شود، سپس جامه اش از تنش بیرون آورده شود، و وضوء داده شود چنانکه برای نماز وضوء ساخته می شود، مگر اینکه او نباید مضمضه و استنشاق داده شود، بلکه دهان و بینی آن با پاره خیس شده به آب، مسح کرده شود، و بر وی آب گرم کرده شده با سدر یا اشنان ریخته شود.
اما اگر سدر یا اشنان موجود نبود با آب خالص غسل داده شود.
سر میت و محاسن آن با خطمی یا صابون شسته شود.
آنگاه بر پهلوئی چپ خویش خوابانده شود و بر وی آب ریختانده شود تا آنکه آب به

زیر وجود آن برسد.
سپس بر پهلوئی راست خویش خوابانده شود، و بر وی آب ریختانده شود تا آنکه آب به زیر وجود آن برسد.
آنگاه نشانده شود در حالکیه به شخص شستشو دهنده تکیه داده شده است، و شکم آن به آرامی مسح کرده شود، و آنچه که از پیش یا پس میت بیرون می آید شسته شود، و شستن تکرار نشود، سپس بدن آن با جامه ای خشک ساخته شود.
حنوط بر محاسن و سر آن قرار داده شود.
و کافور بر مواضع سجود آن.
و ناخن میت و موی آن کوتاه ساخته نشود.
و موی سر میت و محاسن آن باز و فروهشته گردانیده نشود.
زن شوهرش را غسل دهد اگر چنانچه مردی پیدا نشد که او را غسل بدهد.
و مرد زنش را غسل ندهد اگر چنانچه زنی پیدا نشد که او را غسل بدهد، بلکه او یا کسی دیگر دست خود را با خرقة ای پوشیده زن را تیمم دهد.
برای مرد جواز دارد که پسر و دختر صغیره را غسل دهد.
و برای زن نیز جواز دارد که پسر و دختر صغیره را غسل دهد.

احکام تکفین میت

کفن کردن میت بر مسلمانان فرض کفایه است.
پس اگر بعضی از آنها به تکفین میت اقدام نمودند فرض از ذمه بقیه ساقط می شود.
و اگر کسی از آنان به تکفین آن اقدام نکرد همگی گناه کار اند.
حد اقل کفنی که فرض کفایه به آن از دوش مسلمانان ساقط می شود، همانا آن چیزی است که تمام بدن میت به آن پوشانده شود.
میت از آن مال خالص خویش که حق غیر به آن تعلق نگرفته است کفن کرده شود.
اما اگر میت دارای مالی نبود، تکفین آن بر کسی واجب است که نفقه آن در حال حیاتش بر عهده وی بود.
و اگر برای آنکسی که نفقه میت در حال حیاتش بر عهده وی است مالی نبود، پس آن میت از بیت المال کفن کرده شود.
و اگر برای مسلمین بیت المال نبود، یا برای ایشان بیت المال بود و لیکن امکان گرفتن کفن از بیت المال وجود نداشت، کفن کردن آن بر جماعت مسلمانانی که بر این کار قادر اند واجب است.

انواع کفن

کفن بر سه نوع است:

1- کفن سنت.

2- کفن کفایت.

3- کفن ضرورت.

کفن سنت برای مرد: پیراهن است، و ازار، و لفافه ای.
و کفن کفایت برای مرد: ازار است و لفافه ای. و کمتر از این مکروه است.
و کفن ضرورت برای مرد: آن چیزی است که در حال ضرورت موجود شود، اگر چه به قدر پوشاندن عورت باشد.
افضل آن است که کفن جامه سفیدی از جنس پنبه باشد.
و ازار از فرق سر تا پا باشد.
و لفافه از ازار به اندازه يك گز دراز تر باشد.
و پیراهن از گردن تا پای میت باشد.
و پیراهن دارای آستین نباشد.

کیفیت تکفین مرد

کیفیت تکفین مرد این است که اولاً لفافه نهاده شود، سپس ازار بالای لفافه، سپس پیراهن بالای ازار، سپس میت نهاده شود و پیراهن بر آن پوشانده شود، آنگاه ازار از چپ و سپس از راست بر وی پیچیده شود، سپس لفافه از چپ آنگاه از راست بر وی پیچانده شود، و کفن بر هر دو طرف آن گره زده شود تا اینکه باز و پراکنده نگردد.

کفن سنت برای زن: لفافه، ازار، پیراهن، خمار (چهار قد)، و خرقة ای است.
کفن کفایت برای زن: ازار، لفافه، و خماری است.
کفن ضرورت برای زن: آن چیزی است که در حال ضرورت یافت شود. بهتر و اولی این است که خرقة از سینه تا هر دو ران زن باشد.
و جواز دارد که خرقة از سینه تا ناف وی باشد.

کیفیت تکفین زن

کیفیت تکفین زن این است که اولاً لفافه هموار ساخته شود، سپس ازار بالای لفافه هموار گردد، سپس پیراهن بالای ازار هموار گردد.
و پیراهن بر او پوشانده شود، و موهای زن دو دسته قرار داده شود بر سینه آن بالای پیراهن، آنگاه خمار (چادر، چارقد) بر سر آن نهاده شود، و چادر نه بر وی پیچانده شود نه گره زده شود، سپس ازار از چپ بر وی پیچانده شود، آنگاه از راست، سپس سینه با خرقة بسته کرده شود، آنگاه در اخیر لفافه بروی پیچانده شود.

احکام نماز جنازه

نماز جنازه خواندن بر میت، بر مسلمانان فرض کفایه است.
پس اگر يك تن از مسلمانان بر میت نماز خواند، فرض از ذمه بقیه ساقط می شود.
و اگر کسی بر وی نماز نخواند همگی گناه کار اند.
نماز جنازه بر آنکسی که نماز های فرض بر وی واجب است؛ واجب می باشد، اگر

چنانچه از مرگ آن آگاه بود.
کسی که از مرگ میت آگاه نیست بر وی نماز جنازه واجب نمی باشد.
نماز جنازه دارای دو رکن است:

- 1- تکبیرات چهارگانه.
و هر تکبیری از آنها به منزله یک رکعت است.
- 2- ایستادن؛ پس نماز جنازه بدون عذر در حال نشسته صحت ندارد.

شرطهای نماز جنازه

نماز جنازه بر میت صحیح نیست مگر آنگاه که شرطهای آتی در وی موجود گردد:

- 1- اینکه میت مسلمان باشد، پس خواندن نماز جنازه بر کافر جواز ندارد.
 - 2- اینکه میت از نجاست حقیقی و حکمی پاک باشد، پس نماز جنازه بر میت قبل از غسل دادن آن جواز ندارد.
 - 3- اینکه میت حاضر باشد، پس نماز جنازه بر میت غائب جواز ندارد.
 - 4- اینکه میت در جلو روی نمازگزاران باشد، پس نماز جنازه بر میت اگر چنانچه در پشت سر ایشان نهاده شده بود- صحت ندارد.
 - 5- اینکه میت بر زمین نهاده باشد.
- همچنین اگر میت بر تختی نهاده شده بود که آن تخت بر زمین قرار داشت، نماز خواندن بر وی جائز است، پس نماز جنازه جواز ندارد اگر چنانچه میت بر مرکب یا حیوانی حمل شده بود.
- و نماز جنازه جواز ندارد اگر چنانچه میت حمل شده بر دستان مردم یا بر گردنهایی ایشان بود.
- اما اگر میت به جهت عذری از عذرهای بر مرکب یا بر دستان مردم نهاده شده بود، نماز خواندن بر وی جواز دارد.

سنت های نماز جنازه

امور آتی در نماز جنازه سنت است:

- 1- اینکه امام در برابر سینه میت بایستد، برابر است که میت مرد باشد یا زن.
 - 2- اینکه بعد از تکبیر اول ثناء: (سبحانک اللهم) را بخواند.
 - 3- اینکه بعد از تکبیر دوم بر رسول اکرم (ص) درود بخواند.
 - 4- اینکه بعد از تکبیر سوم در حق میت دعاء کند.
- اگر چنانچه میت بالغ بود- چه مرد باشد یا زن- در دعاء وی چنین بگوید:
(اللهم اغفر لحینا، و میتنا، و شاهدنا، و غائبنا، و صغیرنا، و کبیرنا، و ذکرنا، و انثانا، اللهم من احببته منّا فاحیه علی الاسلام و من توفیته منا فتوفه علی الایمان)
و اگر میت کودک پسر بود، در دعاء خویش چنین بگوید:
(اللهم اجعله لنا فرطاً، واجعله لنا اجرا و ذخراً، واجعله لنا شافعاً و مشفعاً)

و اگر میت کودک دختر بود، در دعاء وي چنین بگوید:
(اللهم اجعله لنا فرطاً، واجعله لنا اجرا و ذخراً، واجعله لنا شافعتا و مشفعتا)
و نماز را با سلام دادن بعد از تکبیر چهارم قطع نماید.
نمازگزار دستهایش را بلند نکند مگر در هنگام تکبیر اول.
مستحب است که صفهای نمازگزاران فرد بوده باشد: سه، یا پنج، یا هفت، یا مانند آن.

فروعاتی که به نماز جنازه تعلق می گیرند

اگر ولی میت بر او نماز گزارد، پس نماز جنازه بر وی عود کرده نشود.
اگر میت بدون نماز خواندن بر وی دفن گردیده بود، بر قبر وی نماز خوانده شود- تا آنگاه که بدن وی متلاشی و پوشیده نشده است.
اگر جنازه ها متعدد بود؛ پس بهتر آن است که بر هر جنازه ای به طور جداگانه نماز خوانده شود.

و جائز است که بر همه جنازه ها به يك بار نماز خوانده شود.
اگر امام بر همه جنازه ها به يك بار نماز خواند، جنازه ها در يك صف درازي جلو روی امام نهاده شوند، ابتداء جنازه های مردان نهاده شود، سپس جنازه های کودکان و سپس جنازه های زنان.
نوزادی که در حال ولادت به او حیات یافته شد، هم نامگذاری شود و هم بر وی نماز خوانده شود.

نوزادی که به وی در حال ولادت حیات یافته نشد، بر وی نماز خوانده نشود، بلکه غسل داده شود و در جامه ای پیچانده شود، و دفن گردد.
خواندن نماز جنازه بر میت در مسجدي که جماعت در آن برپا می شود بدون عذر مکروه است.

اما اگر به جهت وجود عذري در مسجد جماعت بر میت نماز گزارده شد، پس کراهیتی نیست.

هر کس امام را در میان دو تکبیر دریافت، انتظار بکشد، تا آنکه چون امام بار دیگر تکبیر گفت به او اقتداء نموده و از وی در دعائش پیروی کند، سپس آنچه را که از تکبیرات از وی فوت شده است قضاء آورد.

کسی که از وی بعضی از تکبیرات به همراه امام فوت شده است، تکبیرات فوتی اش را قبل از آنکه جنازه برداشته شود قضاء آورد.

کسی که بعد از تکبیر اول و قبل از تکبیر دوم حاضر گردید به امام اقتداء کند و منتظر تکبیر دوم باقی نماند.

کسی که بعد از تکبیر چهارم قبل از سلام حاضر گردید، پس نماز جنازه از وی فوت شده است.

کسی که خودکشی می کند، غسل داده شود و بر وی نماز خوانده شود.

بر کشته شده ای که از روی عصبیت (عصبیت های جاهلی) می جنگید، نماز خوانده نشود.

همچنین بر کسی که پدرش یا مادرش را به ستم کشته است، نماز جنازه خوانده نشود.

همچنین بر قاطع الطریق (راهزن) نماز خوانده نشود، اگر چنانچه در حال جنگ کشته شد.

کیفیت نماز جنازه

کیفیت نماز جنازه این است که امام در برابر سینه میت بایستد، و مقتدی ها در پشت سر امام صف بکشند، سپس هر يك از آنان اداء فریضه نماز جنازه را به عنوان عبادتی برای خدای متعال نیت نمایند، همچنین مقتدی متابعت امام را نیت کند، سپس برای تحریمه تکبیر بگوید- همراه با بالا نمودن دستهای خویش به هنگام تکبیر گفتن، آنگاه ثناء (سبحانک اللهم) را بخوند، سپس تکبیر دوم را بگوید بدون اینکه دستهایش را بالا نماید، آنگاه بر نبی اکرم (ص) درود بخواند، سپس تکبیر سوم را بگوید بدون اینکه دستهایش را بالا نماید، آنگاه در حق میت و در حق مسلمین دعاء نماید، سپس تکبیر چهارم را بگوید بدون اینکه دستهایش را بالا نماید، آنگاه دو سلام بدهد، سلامی از راست خویش، و سلامی از چپ خویش، امام تکبیرات را بلند و غیر آن را آهسته بخواند، و مقتدی ها همه را؛ اعم از تکبیر و غیره آهسته بخوانند.

احکام حمل جنازه

حمل و تشییع جنازه به سوی گورستان بر مسلمانان فرض کفایه است. همچنین حمل میت عبادتی نیز هست.

پس برای هر مسلمانی لازم است تا به سوی حمل جنازه بشتابد. زیرا رسول اکرم (ص) جنازه حضرت سعد معاذ (رض) را حمل نمودند. سنت است که جنازه را چهار مرد حمل نمایند.

برای هر حمل کننده ای سنت است که جنازه را چهل قدم حمل کند. متسحب است که جنازه را به شتاب ببرند، اما این شتاب نباید بگونه ای تند بوده باشد که به تکان خوردن و جنبش میت بینجامد.

پیاده رفتن پشت سر جنازه بهتر از پیاده رفتن در جلوی روی آن است. نشستن به زمین قبل از آنکه جنازه بر زمین نهاده شود مکروه است.

احکام دفن میت

سنت است اینکه عمق (گودی) قبر حد اقل نصف قامت بوده باشد پس اگر عمق آن از نصف قامت زیادتر گردید این بهتر است.

بهتر آن است که در قبر لحد قرار داده شود، و قبر شکاف و گودالی راست بدون لحد نبوده باشد، مگر آنگاه که زمین نرم و سست و شکننده بود.

میت در از جهت قبله نهاده شود.

کسی که میت را در قبر می نهد چنین بگوید: (بسم الله و علي مله رسول الله)

میت در قبر بسوی قبله بر پهلوئی راست خویش قرار داده شود.

بعد از آنکه میت در قبر نهاده شد؛ گره های کفن باز کرده شود.

در هنگام نهادن میت در قبر، قبر با پرده پوشانده شود اگر چنانچه میت زن بود، اما

اگر چنانچه میت مرد بود قبر پوشانده نشود.

قبر بعد از آنکه میت در لحد یا شگاف نهاده شد با خشت خام یا نی مسدود ساخته

شود.

مکروه است که قبر از آجر و چوب مسدود ساخته شود، مگر آنگاه که خشت خام یا

نی موجود نگردید، پس در این صورت کراهیتی نیست.

متسحب است که هر يك از آنانی که بر سر دفن میت حاضر اند با هر دو دست

خویش سه بار از خاک قبر بر قبر وی بریزند.

در بار اول بگویند: (مِنهَا خَلَقْنَاكُمْ)

و در بار دوم بگویند: (و فِيهَا نُعِيدُكُمْ)

و در بار سوم بگویند: (و مِنهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى)

آنگاه بر قبر وی خاک ریخته شود تا آنکه قبر آن مسدود گردیده و پوشیده شود. و قبر

آن همچون کوهان شتر قرار داده شود، و چهار گوش قرار داده نشود.

بنا کردن بر قبر برای زینت و تفاخر حرام است.

همچنین بنا کردن بر قبر برای محکم سازی آن مکروه است.

و دفن کردن میت در خانه مکروه است، زیرا که دفن کردن در خانه از ویژگی ها و

خصوصیات پیامبران علیهم السلام است.

دفن بیشتر از يك نفر در يك قبر به هنگام ضرورت جواز دارد.

اگر بیشتر از يك تن در يك قبر دفن گردیدند، مستحب است که بین دو تن به خاک

فاصله قرار داده شود.

کسی که در کشتی ای مرد؛ غسل داده شود و کفن کرده شود، و بر وی نماز خوانده

شود، سپس در دریا انداخته شود. اگر چنانچه خشکی دور بود، و بیم دگرگونی بدن

میت می رفت.

دفن میت در مکانی که در آن مرده است مستحب است.

انتقال دادن میت بیشتر از يك مایل یا دو مایل مکروه است.

قبر نبش کرده نشود؛ اگر چنانچه میت به سوی غیر قبله نهاده شده بود.

همچنین قبر نبش کرده نشود اگر چنانچه میت بر پهلوئی چپ خویش نهاده شده بود.

نبش قبر جواز دارد اگر چنانچه به همراه میت مالی دفن کرده شده بود.

احکام زیارت قبرها

زیارت گورستان برای مردان مستحب است.
و زیارت گورستان برای زنان در این زمانه مکروه است.
قرائت سوره یاسین در هنگام زیارت گورستان مستحب است.
گام نهادن بر قبرها مکروه است.
خواب شدن بر سر قبرها مکروه است.
ریشه کن ساختن علف و درخت از مقبره مکروه است.

احکام شهید

خدای متعال فرموده است:

(ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً، بل احياء عند ربهم يرزقون، فرحين بما اتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم ان لا خوف عليهم و لا هم يحزنون- و آنانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندارید، بلکه زنده اند و در نزد پروردگار شان روزی داده می شوند، شادمانند به آنچه که خداوند از فضل خویش به آنان داده است، و مزده می دهند آنانی را که پشت سر ایشان حرکت می کنند و هنوز به ایشان نپیوسته اند که نه بیمی است بر ایشان و نه هم آنان اندوهگین می شوند).

(سوره آل عمران 169-170)

و رسول خدا (ص) فرموده است:

(ما من احد يدخل الجنة يحب ان يرجع الي الدنيا و له ما في الارض من شيء الا الشهيد، يتمني ان يرجع الي الدنيا فيقتل عشر مرات لما يري من الكرامه- هیچ کسی نیست که به بهشت در آید و دوستدار بازگشت به سوی دنیا باشد- هر چه هم که در زمین داشته باشد- مگر شهید، آرزو می کند که به سوی دنیا باز گردد، پس ده بار کشته شود، به سبب آنچه که از کرامت و گرامیداشت می بیند). (به روایت بخاری و مسلم)

شهید همانا مسلمانی است که به ستم کشته شده است، چه در جنگ کشته شده باشد، یا شخص بغاوتگری او را کشته باشد، یا راهزنان او را کشته باشند.

شهید بر سه قسم تقسیم می شود:

1- شهید دنیا و آخرت و آن شهید کامل است.

2- شهید آخرت فقط.

3- شهيد دنيا فقط.

1- شهيد كامل: شهادت كامل آنگاه محقق مي شود كه شخص كشته شده مسلمان باشد، عاقل باشد، بالغ باشد. از حدث اكبر پاك باشد، و به دنبال اصابت ضربه مرده باشد، به گونه اي كه به چيزي از بهره ها و خدمات حيات؛ چون خوردن، آشاميدن، خواب شدن، و در مان بهره مند نگريده و بروي وقت يك نماز در حالي كه به هوش است نگذشته باشد.

حكم شهيد كامل اين است كه غسل داده نمي شود، بلكه در جامه هائيش كفن گرديده و بروي نماز خوانده مي شود، و با خون و جامه اش دفن مي گردد، و با كي نيست كه در جامه اش بر حسب ضرورت افزون يا كم ساخته شود، و بيرون كشيدن تمام جامه از بدن وي مكروه است.

2- قسم دوم از شهداء همانا شهيد آخرت است فقط: و آن هر كسي است كه شرطي از شروط پيشين را- به جز اسلام- نداشته باشد، پس احكام شهيد بر وي جاري نمي گردد، مگر بايد دانست كه او شهيد آخرت است، و براي اوست همان پاداشي كه شهداء به آن وعده داده شده اند.

و حكم اين قسم از شهداء اين است كه ايشان غسل داده مي شوند، و تكفين مي گردند، و مانند ديگر مردگان براي ايشان نماز خوانده مي شود.

3- قسم سوم از شهداء همانا شهيد دنياست فقط: و آن منافقي است كه در صفوف مسلمين كشته شده است، پس او غسل داده نمي شود و در جامه خویش كفن مي گردد، و بر آن مانند شهيد كامل نماز خوانده مي شود؛ به اعتبار ظاهر.